

۱۵۵

سال شانزدهم / مرداد ۱۴۰۴

فرهنگ پاسداری

به وقت تابووی

جنگ ۱۲ روزه در مقابل رژیم صهیونیستی

آغاز جنگی که از دل لبخندها زاده شد

رژیم صهیونیستی زانو می زند

آتش بس و شروع نبرد دیپلماسی

حمله ایران به پایگاه «العید»

رژیم صهیونیستی چگونه متولد شد؟

عملیات طوفان الاقصی

کالبدشکافی ساختار امنیتی اسرائیل

پیامدهای راهبردی جنگ غزه

ما فاتح
این
نبردیم

ISRAEL'S CRIMES
WILL NOT GO
UNPUNISHED

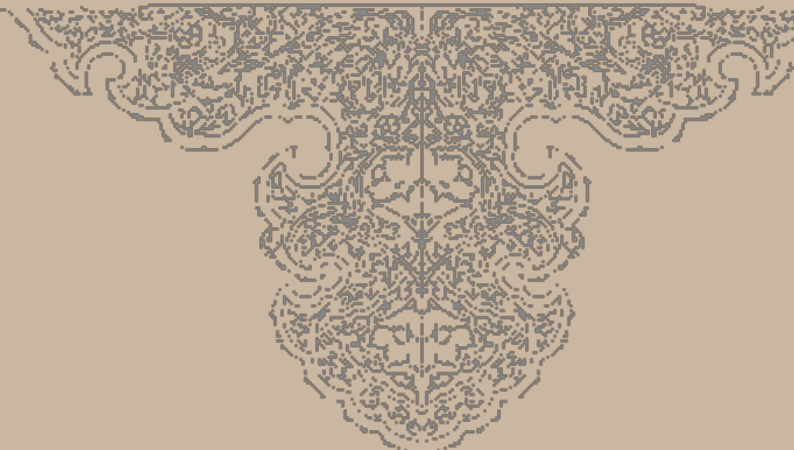
هیچ رژیمی با اشغال و جنایت

پایدار نمانده، اسرائیل هم نخواهد ماند.





علیه السلام
ناجی ناسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ پاسداری

مرداد ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۳	سرآغاز
۴	آغاز جنگی که از دل لبخندها زاده شد
۵	بازی دو لبه- مذاکرات فریب یا فریب در مذاکرات؟
۶	روز صفر - حمله غافلگیرانه
۷	پاسخ فوری - موشک‌ها در دل تل آویو
۸	رژیم صهیونیستی زانو می‌زند - آمریکا وارد می‌شود
۹	هفته دوم؛ ناکامی، خسارت و خستگی متجاوز
۱۰	آتش بس و شروع نبرد دیپلماسی
۱۱	آتش بس، سایه جنگ - زخم‌ها، حماسه‌ها
۱۲	حمله ایران به پایگاه «العدید» - سیلی قدرتمند به آمریکا
۱۳	لیک عاشورا به ندای ایران
۱۴	ستاره‌هایی درخشان از شهدای اقتدار
۱۶	غرور ملی و همبستگی ایرانیان در برابر تجاوز دشمن
۱۷	شکوه عهد و پیمان ملت با شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه
۱۸	روز ملی مقاومت و روز بزرگداشت سهروردی
۱۹	برکناری مصدق و فاجعه سینما رکس آبادان
۲۰	رژیم صهیونیستی چگونه متولد شد؟
۲۱	جنگ دوم اعراب و رژیم صهیونیستی
۲۲	جنگ سوم اعراب و رژیم صهیونیستی
۲۳	جنگ ۱۹۸۲ و تولد حزب الله
۲۴	جنگ‌های غزه
۲۶	عملیات طوفان الاقصی
۲۷	کالبدشکافی ساختار امنیتی اسرائیل
۲۸	جبهه رسانه‌ای مقاومت
۲۹	واکنش امت اسلامی
۳۰	جبهه بزرگ مقاومت
۳۱	ارتشی که دیگر نمی‌ترسند
۳۲	نبرد رسانه‌ها
۳۳	پیامدهای راهبردی جنگ غزه
۳۴	جامعه جهانی در برابر جنایت؛ سکوت، همراهی یا مقاومت؟
۳۵	آینده درگیری‌ها؛ سناریوی جنگ منطقه‌ای محتمل
۳۶	مصاحبه با پیشکسوتان
۳۸	اربعین؛ میراثی از ایثار و وحدت
۳۹	راهپیمایی اربعین؛ آیینی از وحدت و هویت مسلمانان
۴۰	امربه معروف و نهی از منکر در نهج البلاغه



شناسنامه

حسینی، عاطف عبدالجواد، غلامرضا ابراهیم‌آبادی، روح‌الله
حسینی، اکرم گلیایگانی، ابراهیم اکبری دیزگا، علیرضا رجبی، دکتر
حمید حاذق نیکرو، فرید تولیده، حسن شریعتی، ایرج فرامرزی
چاپ و لیتوگرافی: مرکز چاپ سپاه
نشانی: تهران ستاد فرماندهی کل سپاه، ساختمان شماره ۲،
معاونت فرهنگی و تبلیغات
تلفن و درونگاز سردبیر:
۳۳۲۲۲۲۰-۳۵۵۳۳۸۴۷
مرکز توزیع: ۳۵۲۳۳۸۷۸
صندوق پستی:
۱۶۵-۱۷۳۸۵
سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۹۹۶۲
با تشکر از همکاری دفتر تابید محتوای محصولات فرهنگی سپاه

مرداد ماه ۱۴۰۴
مدیر مسئول:
سرتیپ دوم پاسدار حسین محبی
سردبیر:
فرید تولیده
دبیر تحریریه:
ایرج فرامرزی
نویسندگان و همکاران این شماره:
بهره‌گیری از آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی
نویسندگان و همکاران:
رضا قادری، سهراب نجفی، زهره مهدوی، ناصر مصطفوی، علی
باقی، فریبا زارع‌زاد، رضا محمدی، سعدالله زارعی، ابوالفضل
موسوی، مهدی هدایتی، ابراهیم نجاتی، علی‌اکبر منصوری،
محمد رضا تاجیک، محمد موسوی، محمد رضا عسگری، داود



سرآغاز

رژیم صهیونیستی؛ زاییده بحران، گرفتار در پایان تاریخ

مقاومت دیگر نه یک تاکتیک، بلکه یک گفتمان تمام‌عیار برای بازیابی عزت ملل است. گنبد آهین فرو ریخت، چهره ارتش اسرائیل به لرزه افتاد و هزاران نفر در خیابان‌های جهان، از لندن تا رباط، از جاکارتا تا بوئنوس آیرس، فریاد ایستادگی سر دادند. جنگ ۱۲ روزه، جنگی برای بیدارسازی وجدان جهان بود.

آنچه امروز بیش از هر زمان دیگر آشکار است، آن است که رژیم صهیونیستی در بحران‌های چندلایه گرفتار آمده است: بحران امنیت، بحران مشروعیت، و مهم‌تر از همه، بحران روایت. دیگر نمی‌توان تصویر یک اسرائیل مدرن، مقتدر و دموکراتیک را فروخت، در حالی که خون کودکان غزه هنوز بر دیوارهای بیمارستان شفا نشکیده است.

در مقابل، ایران و محور مقاومت، با وجود تحریم، تهدید و فشار، توانسته‌اند **ساختاری نوین از بازدارندگی چندبعدی** ایجاد کنند؛ بازدارندگی‌ای که بر اراده، بومی‌سازی، و پیوندهای فرهنگی-تاریخی بنا شده است، نه صرفاً بر تسلیحات.

از این روست که نقش **رسانه‌ها و نخبگان فرهنگی**، حیاتی‌تر از همیشه است. آنچه امروز در میدان رخ می‌دهد، تنها در جبهه نظامی معنا ندارد؛ این جنگ، **جنگ معناها و روایت‌ها** نیز هست. ما موظفیم واقعیت آنچه در غزه، نبطیه، تهران و دیگر نقاط محور مقاومت رخ می‌دهد را با زبانی انسانی، پیوسته و متعهد بازگو کنیم.

صهیونیسم، تنها یک پروژه سیاسی است که با روح عدالت، هم‌زیستی و کرامت انسانی در تضاد است.

بیش از هفتاد سال از تحمیل موجودیتی به‌نام رژیم صهیونیستی بر جغرافیای تاریخی فلسطین می‌گذرد؛ موجودیتی که نه بر اساس همزیستی و حقوق بشر، بلکه بر پایه اشغال، حذف، و خشونت نهادینه شکل گرفت. رژیمی برآمده از بحران، و استمرار یافته با خشونت.

در تمام این دهه‌ها، اسرائیل تلاش کرده است تا از طریق جنگ‌افروزی، سرکوب، ترور و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خلأ مشروعیت و هویت خود را جبران کند. از جنگ‌های اعراب و اسرائیل تا اشغال جنوب لبنان، از یورش‌های مکرر به نوار غزه تا حمله به سوریه، عراق و لبنان؛ و امروز، تجاوز مستقیم به خاک ایران.

در خرداد ۱۴۰۴، رژیم صهیونیستی با نقض آشکار حقوق بین‌الملل، برای نخستین بار به عمق سرزمین جمهوری اسلامی ایران حمله کرد. در این تجاوز آشکار، تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دانشمندان هسته‌ای به شهادت رسیدند. این اقدام، نه فقط عبور از خطوط قرمز امنیت ملی ایران بود، بلکه نمایانگر اضطراب وجودی رژیمی است که بقای خود را در حمله پیش‌دستانه جست‌وجو می‌کند.

اما تاریخ نشان داده است که هر تجاوزی، بهایی دارد. پاسخی که ایران در روزهای بعد تحت عنوان وعده صادق ۳ در موج‌های گسترده به این حمله داد، بهروشنی نشان داد که دیگر دوران «مصونیت صهیونیسم» به پایان رسیده است. پیام روشن تهران این بود: جواب سخت و بیچاره‌کننده بود و این معادله تازه، نه فقط در روابط دوجانبه ایران و اسرائیل، بلکه در ساختار ژئوپلیتیکی کل منطقه بازتاب پیدا کرده است.

جنگ ۱۲ روزه نبردی بود که بار دیگر نشان داد



آغاز جنگی که از دل لبخندها زاده شد

دولت در داخل با شعار «رفع تحریم از مسیر تعامل» فشارهای اقتصادی را تعدیل می کرد. اما دستگاه نظامی، از مدت ها پیش حالت نیمه آماده باش گرفته بود.

طلوعی که بوی آتش می داد

دور دوازدهم مذاکرات، چیزی شبیه فاجعه رقم خورد. ساعت ۳:۴۰ بامداد، چندین انفجار پیاپی در نزدیکی تأسیسات نظامی کوهستانی در استان مرکزی ثبت شد. بلافاصله گزارش هایی از حملات هوایی به تأسیسات فردو، بوشهر و کرج منتشر شد. فضای مجازی پر از ویدیوهای دود، آتش و صدای آژیر شد. ساعاتی بعد، خبر شهادت چند فرمانده بلندپایه هوافضا و یک دانشمند هسته ای سرشناس منتشر شد. جامعه در شوک فرو رفت. همه گفتند: «این حمله از قبل طراحی شده بود؛ دیپلماسی فقط یک ماسک بود.»

آیا اعتماد بیش از حد، راه را برای جنگ باز کرد؟

منتقدان دولت از غافل گیری گلابه داشتند. عده ای از «اعتماد بی جا به مذاکرات» سخن گفتند. تحلیل گران دیگر گفتند که این حمله نه تنها آغاز جنگ بود، بلکه پایان یک توهم چندساله درباره امکان توافق واقعی با غرب را رقم زد. اما سؤال بزرگ تر هنوز بی پاسخ مانده بود: چرا هم زمان با مذاکره، خاک ایران زیر بمباران رفت؟ و اینکه آیا: این شروع ماجراست؟

دولت در داخل با شعار «رفع تحریم از مسیر تعامل» فشارهای اقتصادی را تعدیل می کرد. اما دستگاه نظامی، از مدت ها پیش حالت نیمه آماده باش گرفته بود.

از میز مذاکره تا آوار جنگ

دیپلماسی زیر نورافکن رسانه ها

در هفته های آغازین تابستان، تمام نگاه ها به میز مذاکرات ایران و آمریکا در دوحه دوخته شده بود. پس از ماه ها تنش و بی اعتمادی، حالا فضا ملایم تر به نظر می رسید. چهره های خندان، توییت های امیدوارکننده، و زمزمه هایی از «توافق موقت» امید را در دل مردم، اما در پشت این دیپلماسی، لایه ای از بازی های اطلاعاتی، بازی فریب، فشارهای سیاسی و تصمیم سازی های پشت پرده در جریان بود.

قطعه نامه ای که بوی باروت می داد

در میانه این مذاکرات، قطعه نامه ای تند از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی علیه برنامه هسته ای ایران منتشر شد؛ قطعه نامه ای که با حمایت آمریکا و چند کشور اروپایی به تصویب رسید. تهران آن را «سیاسی و تحریک آمیز» خواند و هشدار داد که این اقدام می تواند فضای مذاکرات را مسموم کند.

در رسانه های داخلی ایران، این قطعه نامه نشانه ای از عدم صداقت غرب در گفتگوها تفسیر شد. هم زمان، تحرکات نظامی مشکوک رژیم صهیونیستی در منطقه توسط برخی منابع غیررسمی گزارش می شد، اما در سایه اخبار دیپلماتیک گم می شد.

مذاکرات فریب، فریب در مذاکرات

برخی تحلیل گران هشدار داده بودند که مذاکره، می تواند پوششی برای یک حمله غافلگیرانه باشد. ظن اصلی به رژیم صهیونیستی بود که در سال های گذشته بارها نشان داده حاضر است خارج از قواعد بین المللی و به تنهایی عمل کند. در محافل امنیتی ایران، این گمانه زنی ها جدی تر گرفته شده بود، اما در فضای رسمی کشور، همچنان امید به توافق غالب بود.



بازی دو لبه- مذاکرات فریب یا فریب در مذاکرات؟

در واقع، ذهن جامعه ایرانی در حال آماده‌سازی برای عبور از بحران بود، نه مقابله با حمله‌ای سراسری. این فضای رسانه‌ای، به نوعی خواب مصنوعی برای بدنه اجتماعی و حتی سیاست‌گذاران تبدیل شد.

چرا ایران غافلگیر شد؟

شاید بزرگ‌ترین سؤال این باشد: چطور کشوری که سابقه امنیتی‌اش در منطقه زبانزد است، از این حمله غافلگیر شد؟ پاسخ شاید در فریب و نوع جنگ نوین نهفته باشد. جنگی که از ترکیب دقیق اطلاعات دروغ، مهندسی دیپلماسی و عملیات ترکیبی تشکیل شده بود. در این مدل، حمله نظامی آخرین حلقه بود، نه اولین. ایران آمادگی دفاعی داشت، اما تصورش این بود که زمان دارد؛ زمانی که مذاکرات برایش می‌خرید. اما همان لحظه، میدان به واقعیتی تبدیل شده بود که در اتاق مذاکره انکارش می‌کردند.

دیپلماسی زخمی، جامعه ملتهب

با شروع جنگ، اعتماد عمومی به روندهای دیپلماتیک دچار شکاف شد. احساس فریب‌خوردگی در جامعه حتی بین افراد غرب‌گرا به وجود آمده بود. شعارهایی که تا دیروز مردم را به مذاکرات خوشبین می‌کرد، حالا بی‌پشتوانه شده بود. در مقابل، جریان انقلابی در داخل تقویت شدند. آنان با اتکا به حمله غافلگیرانه و فریبکارانه غرب، نظریه «توهم توطئه» را نقض و «دل به مذاکره» را نقد و نقض کردند. ۱۲ روز جنگ، نه از میدان نبرد آغاز شد که از جلسه‌ای در هتلی مجلل. اما نتیجه‌اش رانه دیپلمات‌ها، بلکه پیکرهای سوخته و شهرهای نیمه‌ویران تعیین کردند. در ذهن جامعه، این جمله تکرار می‌شد: مذاکره با تفنگ پشت میز، یعنی هیچ مذاکره‌ای وجود ندارد.

با شروع جنگ، اعتماد عمومی به روندهای دیپلماتیک دچار شکاف شد. احساس فریب‌خوردگی در جامعه حتی افراد غرب‌گرا به وجود آمده بود. شعارهایی که تا دیروز مردم را به مذاکرات خوشبین می‌کرد، حالا بی‌پشتوانه شده بود.

«وقتی لب‌خند دیپلماتیک، به آتش بازی شبانه انجامید»
سیاست دو گانه: مذاکره برای صلح یا زمان کشی برای جنگ؟

تحلیل‌گران با سابقه خاورمیانه به خوبی می‌دانند که در منطقه‌ای با تراکم تضاد و تردید، مذاکرات اغلب بیشتر از آن که سازنده باشند، پوششی‌اند. در نگاه ناظران مستقل، رژیم صهیونیستی با علم به بن‌بست ساختاری گفتگوهای ایران و آمریکا، از فضای مذاکرات برای مهندسی یک جنگ برق‌آسا استفاده کرد. نقطه کلیدی فریب در همین جا بود: ایران سرگرم چانه‌زنی بر سر بندهای فنی توافق موقت بود، در حالی که رژیم صهیونیستی در حال بستن آخرین حلقه‌های زنجیره عملیات نظامی‌اش بود.

نقش پررنگ رژیم صهیونیستی در تخریب دیپلماسی

در هفته منتهی به حمله، چند نشانه روشن از نارضایتی تل‌آویز روند مذاکرات وجود داشت:

- تهدیدهای علنی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه «در صورت بی‌نتیجه بودن مذاکرات، خود وارد عمل خواهیم شد».

- پرواز شناسایی هواپیماهای بدون سرنشین ناشناس در نزدیکی تأسیسات حساس ایران.

- دیدارهای فشرده مقامات رژیم صهیونیستی با مشاوران امنیت ملی آمریکا و فشار برای «خط‌قرمز هسته‌ای فوری».

به تعبیر یکی از تحلیل‌گران عرب، رژیم صهیونیستی ترجیح داد توافقی را که ممکن بود تحریم‌ها را کاهش دهد، با یک جنگ نیمه‌تمام مبادله کند.

فریب دیپلماتیک، مهندسی رسانه‌ای

هم‌زمان با مذاکرات، رسانه‌های وابسته به دولت‌های غربی تصویری آرام از روند گفتگوها نمایش می‌دادند. تیترهایی مثل «پیشرفت مثبت در گفت‌وگوها»، یا «اراده سیاسی برای توافق وجود دارد» در صدر اخبار بود.



روز صفر - حمله غافلگیرانه

وقتی آسمان ایران بدون اخطار آتش گرفت بامداد ایران - آغاز آتش در تاریکی

در یک شب آرام تابستانی، ناگهان صدای چند انفجار شدید، سکوت کوهستان‌های اطراف قم، اراک و کرج را درهم شکست. شبکه‌های اجتماعی پر از پیام‌های سراسیمه شد: انفجار در اطراف فردو؟ کرج زیر حمله است؟ چراغ‌ها در سایت نظنز خاموش شدند! بامداد روز صفر، حمله‌ای برنامه‌ریزی شده، چندلایه و دقیق از سوی رژیم صهیونیستی آغاز شد. عملیاتی که بدون اخطار قبلی، هم‌زمان چندین نقطه حساس هسته‌ای، نظامی و فرماندهی را هدف گرفت.

اهداف حمله: مغزهای علمی، قلب‌های زیرزمینی

تمرکز اصلی رژیم صهیونیستی بر دو محور بود:

- تأسیسات راهبردی هسته‌ای همچون فردو، کرج، نظنز و اراک
- افراد کلیدی در زنجیره تصمیم‌سازی و دانش بومی هسته‌ای

در نخستین ساعات، منابع امنیتی از شهادت دانشمندان ارشد حوزه سانتریفیوژ و فیزیک کاربردی و هسته‌ای خبر دادند. به فاصله کوتاه، خبر رسید که چندین فرمانده باسابقه نیروهای مسلح و تعدادی از دانشمندان، به شهادت رسیده‌اند.

نوع حمله: ترکیبی و چندبُعدی

این نخستین‌بار بود که رژیم صهیونیستی در یک عملیات گسترده، ترکیبی از حملات سایبری، پهپادی، موشکی و حمله الکترونیکی را به کار گرفت.

- سامانه‌های پدافندی ایران در نخستین ساعت با اخلال سنگین سایبری روبه‌رو شدند
- برخی سامانه‌های هشدار سریع، به طور هم‌زمان از کار افتادند
- پهپادهای خودکشی گراز شمال عراق و حتی دریای عمان به پرواز درآمدند
- موشک‌های نقطه‌زن هدایت‌شونده از زیردریایی‌ها و پایگاه‌های رژیم صهیونیستی در دریای سرخ پرتاب شدند.

سکوت خبری رسمی: تدبیر

مقامات ایرانی در ابتدا موضع رسمی نگرفتند. ستاد نیروهای مسلح در بیانیه‌های کوتاه، خبر از تهاجم دشمن داد و وزارت کشور «بررسی حادثه در برخی مراکز صنعتی» را اعلام کرد. و مردم، پیش از هر اطلاعیه‌ای، حقیقت را با چشمان خود دیده بودند: آسمان سرخ، صدای بمب‌ها، موشک‌ها، قطعی برق در برخی مناطق تهران، و سپس صف‌های بنزین در کرج و قم. این سکوت، مخلوطی از شوک و استراتژی بود. شاید برای جلوگیری از هراس عمومی. شاید برای جمع‌بندی ابعاد فاجعه. جنگی برای مغزها، نه فقط خاک‌ها و تدبیر و آرایش جنگی.

در ادبیات نظامی، این نوع حمله‌ها «Decapitation Strike» نام دارند - ضربه‌ای که نه بدنه نظامی، بلکه ستون فقرات فکری و فرماندهی طرف مقابل را هدف می‌گیرد.

رژیم صهیونیستی با این حمله پیام روشنی فرستاد: هدف، نابودی توان دفاعی و خودکفایی علمی ایران است.

جامعه در شوک، اما آماده واکنش

در همان شب نخست، شعارهایی مثل «پاسخ سخت می‌دهیم» از سوی فرماندهان نظامی مطرح شد. اما مردم هنوز در شوک بودند. شایعات متعدد فضا را پر کرده بود.

اما چیزی روشن بود: مردم فهمیدند وارد مرحله‌ای شده‌اند که دیگر فقط اخبار را نمی‌شنوند - بلکه در آن زندگی می‌کنند.

در نخستین ساعات، منابع امنیتی از شهادت دانشمندان ارشد حوزه سانتریفیوژ و فیزیک کاربردی و هسته‌ای خبر دادند. به فاصله کوتاه، خبر رسید که چندین فرمانده باسابقه نیروهای مسلح و تعدادی از دانشمندان، به شهادت رسیده‌اند.



موشک‌ها نشان داد و اعلام کرد: پاسخی سخت و هشداردهنده. در مقابل، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی سعی می‌کرد با تهدید بیشتر و جنگ روانی فضای دسانه‌ای را در اختیار بگیرد و خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شد. این تفاوت رویکرد - یکی عمل، یکی فریاد - به روایتی داغ در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. بسیاری در ایران نوشتند: ایران با عمل حرف زد.

اثر اجتماعی: شوک معکوس

در حالی که حمله اولیه رژیم صهیونیستی به نوعی جامعه ایران را غافلگیر کرد، پاسخ موشکی سپاه احساس توانمندی و بازسازی روحیه ملی را به دنبال داشت. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی نوشتند: تلافی شد. حالا نوبت اقدام جانانه است.

در خیابان‌ها، فضای اضطراب به تدریج جای خود را به غرور داد. خانواده‌هایی که شب قبل در نگرانی بودند، این بار در کنار تلویزیون نشستند تا خبر «پاسخ موشکی ایران» را بشنوند.

جنگ از خاک، وارد ذهن‌ها شد

از این لحظه به بعد، جنگ تنها در میدان نبود. نبرد اصلی وارد ذهن مردم، رسانه‌ها و استراتژیست‌ها شد. هر موشک، تنها یک شلیک نظامی نبود؛ بلکه بیانیه‌ای در برابر متجاوز بود، از کشوری که تصمیم گرفته بود پاسخی کوبنده دهد.

در حالی که حمله اولیه رژیم صهیونیستی به نوعی جامعه ایران را غافلگیر کرد، پاسخ موشکی سپاه احساس توانمندی و بازسازی روحیه ملی را به دنبال داشت. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی نوشتند: تلافی شد. حالا نوبت اقدام جانانه است.

پاسخ فوری موشک‌ها در قلب تل آویو

ایران، در سکوت رسانه‌ای، صدایش را با موشک اعلام کرد

آغاز پاسخ: زمانی برای حرف نبود

در شرایطی که هنوز رسانه‌های رسمی درباره جزئیات حمله شب گذشته سکوت کرده بودند، از ساعت ۱۹ روز اول جنگ، زمزمه‌هایی از تحرکات سنگین نیروهای هوافضای سپاه پاسداران در مناطق غربی و جنوبی کشور به گوش رسید.

ساعت ۲۲:۳۰ به وقت تهران، لرزه‌ای بر پایتخت رژیم صهیونیستی افتاد. منابع غیررسمی عبری زبان خبر از شلیک بیش از ۵۰ فروند موشک نقطه‌زن به سمت مواضع حیاتی ارتش رژیم صهیونیستی در حومه تل آویو و حیفا دادند.

سکوت رسمی ایران، جایش را به عملیاتی داد که بلندتر از هر بیانیه‌ای سخن می‌گفت.

اهداف ایران: نظامی، اقتصادی، روانی

در موج اول حملات، دست کم پنج پایگاه مورد هدف قرار گرفت:

۱. پایگاه هوایی «پالمخیم» - مرکز کنترل پهپادها
 ۲. پایگاه شکاری «تل نوف» - محل برخاست برخی جنگنده‌های مهاجم
 ۳. مرکز تحقیقاتی «نس زیونا» - تأسیسات مرتبط با جنگ سایبری
 ۴. بندر حیفا - مرکز لجستیکی کلیدی برای انتقال مهمات
 ۵. ساختمان وزارت جنگ رژیم صهیونیستی در تل آویو - با موشکی از نوع فاتح ۱۱۰ اصابت کرد
- موج دوم، جنبه‌ای روانی داشت. سامانه‌های هشداردهنده شهری در چند منطقه ثروتمند نشین فعال شدند. صدای آژیرها، ترس را به زندگی روزمره مردم رژیم صهیونیستی آورد.

رسانه‌ها: رژیم صهیونیستی اعتراف کرد، غرب نگران شد

در حالی که رسانه‌های غربی سعی داشتند حمله ایران را کوچک‌نمایی کنند، منابع رسمی رژیم صهیونیستی به «وارد شدن خسارات سنگین به تأسیسات نظامی و زیرساختی» اعتراف کردند. شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی گزارش داد: این حملات، دقیق، شدید و هماهنگ بودند. حتی سامانه گنبد آهنین نتوانست همه را متوقف کند.

در واشنگتن، بلافاصله جلسه اضطراری امنیت ملی برگزار شد. مقامات آمریکایی هشدار دادند که دامنه بحران ممکن است فراتر از مرزهای ایران و رژیم صهیونیستی برود.

جنگ روایت‌ها: تهران سکوت، تل آویو تهدید

در ایران، تلویزیون رسمی تنها تصویری کوتاه از پرتاب



رژیم صهیونیستی زانو می‌زند - آمریکا وارد می‌شود

اخلال در سیستم راداری حکایت داشتند. واشنگتن اعلام کرد: موشک های ایران را رهگیری کرده اما واقعیت ها چیز دیگری روایت می‌کرد.

واکنش جهانی: بازارها لرزیدند، سازمان ملل نشست اضطراری برگزار کرد

در کمتر از ۲۴ ساعت، بهای نفت از مرز ۱۲۰ دلار عبور کرد، بورس های جهانی سقوط کردند و سازمان ملل جلسه فوق العاده تشکیل داد. دبیر کل سازمان هشدار داد: جنگ ایران و رژیم صهیونیستی در حال تبدیل شدن به بحران امنیت جهانی است. کشورهای اروپایی خواستار آتش بس فوری شدند، اما هیچ کدام آمادگی میانجی گری جدی را نداشتند. همه، نظاره گر موازنه آتشی بودند که فراتر از مرزها شعله ور شده بود.

احساس غرور و رضایت در ایران

در ایران، خبر حمله به العدید، موجی از رضایت و غرور به دنبال داشت مردم آن را اقتدار ملی و انتقام عادلانه خواندند. و ورود آمریکا به کمک رژیم صهیونیستی را گسترش جنگ تلقی کردند.

دنیا به طور آشکار فهمید مردم ایران بایک کشور نمی‌جنگند، بلکه با نظم استکبار جهانی وارد درگیری شده اند.

پرسش بزرگ: آیا جنگ جهانی محدود در حال شکل گیری است؟

حالا جنگ، یک نبرد دوجانبه نبود. آمریکا وارد شده بود. رژیم صهیونیستی ضربه دیده بود. ایران پاسخ داده بود. پایگاه های نظامی در منطقه، به جایگاه های بالقوه درگیری تبدیل شده بودند و این پرسش در ذهن ناظران تکرار می‌شد:

آیا ما وارد فصل تازه ای از ژئوپلیتیک خاور میانه شده ایم؟ یا این هنوز تنها شعله های آغاز است؟

وقتی جنگ از مرزها عبور کرد و در کاخ سفید طنین انداخت

تل آویو: از تکبر به التماس

موشک های دقیق ایران، هیمنه امنیتی رژیم صهیونیستی را خدشه دار کرده بود. تصاویری از فرود اضطراری هواپیماها در فرودگاه بن گوریون، انتقال تجهیزات حیاتی به پناهگاه ها، و هجوم مردم به فروشگاه ها، رسانه های داخلی رژیم صهیونیستی را پر کرده بود.

رژیم صهیونیستی که همیشه مدعی خود کفایی امنیتی بود، این بار پشت درهای کاخ سفید ایستاد. در تماسی مستقیم، نخست وزیر رژیم صهیونیستی از رئیس جمهور آمریکا خواست: برای حفظ برتری راهبردی رژیم صهیونیستی، ورود مستقیم ایالات متحده به درگیری ضروری است.

ورود آمریکا: در پناه شعار امنیت منطقه ای

چند ساعت بعد، پنتاگون بیانیهای منتشر کرد: نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه برای حمایت از متحدان خود آماده عملیات محدود دفاعی هستند. همزمان، گزارش هایی از تحرکات جنگنده های اف-۳۵ در پایگاه های قطر واردن، و حرکت ناوهای هواپیمابر به سمت خلیج فارس منتشر شد. هر چند آمریکا مدعی شد «مستقیم وارد جنگ نخواهد شد»، اما همه می‌دانستند: آغاز مرحله تازه از بحران، کلید خورده است.

پایگاه العدید، هدف ایران قرار می‌گیرد

ایران در بیانیهای رسمی هشدار داد: هرگونه مشارکت نظامی مستقیم آمریکا در حملات رژیم صهیونیستی، پاسخ مستقیم ایران را به دنبال خواهد داشت. آمریکا تا سبسات هسته ای ایران را بمباران کرد.

ساعاتی بعد، پایگاه هوایی آمریکایی العدید در قطر، هدف حمله موشکی قرار گرفت. این حمله، نقطه عطف جنگ بود. ایران برای بار دوم به شکل مستقیم یک پایگاه مهم و استراتژیک آمریکایی را هدف گرفت.

گزارش ها از آتش سوزی در بخشی از باند فرود، تخریب انبار مهمات و



هفته دوم؛ ناکامی، خسارت و خستگی متجاوز

مقابل، رسانه‌های ایرانی با پخش تصاویر فرار مردم رژیم صهیونیستی به پناهگاه‌ها و صف‌های طولانی در تل‌آویو، احساس ضعف روحی دشمن را بازتاب می‌دادند. در شبکه‌های اجتماعی، هر تصویر، هر صوت و هر ویدئو، بخشی از جبهه بود. کاربران ایرانی و عبری زبان، خود به ارتش دیجیتال تبدیل شده بودند.

جامعه: از خشم تا خستگی

در ایران، مردم خشمگین بودند از ترورها، فریب ناجوانمردانه، و نقض آشکار قوانین بین‌المللی. در رژیم صهیونیستی نیز، نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که ۶۰٪ مردم، خواهان پایان فوری درگیری هستند. برخی خانواده‌ها برای اولین بار به مهاجرت فکر می‌کردند. روان‌شناسان در تل‌آویو از افزایش بیماران مبتلا به اضطراب و حملات وحشت خبر دادند.

ناکامی متجاوز در تحقق اهداف

جنگ، به مرحله‌ای رسیده بود که هر حمله، بیش از آن که برد سیاسی داشته باشد، بار اقتصادی و روانی بیشتری ایجاد می‌کرد. برای نخستین بار، تحلیل‌گران غربی جمله‌ای مشترک به زبان آوردند: رژیم صهیونیستی در این جنگ، برنده نمی‌شود؛ تنها راه حفظ آن پایان جنگ است.

صدای ضعیف آتش بس: هنوز پشت شعله‌هاست

در حالی که هنوز موشک‌ها در آسمان بودند، زمزمه‌هایی از میانجی‌گری قطر، عمان و چین به گوش می‌رسید. اما هنوز زود بود برای خاموش کردن شعله‌ها؛ چرا که خون فرماندهان، ترور دانشمندان، خسارات تأسیسات و پاسخ‌های گریزی، اجازه نمی‌داد صدای آتش بس شنیده شود.

در رژیم صهیونیستی، حدود ۲۵۰ هزار نفر از مناطق شمالی و جنوبی تخلیه شدند. زیرساخت آب در عسقلان و شبکه برق در مناطق نزدیک به نوار غزه آسیب دید. پروازها از فرودگاه بن‌گوریون لغو شدند و برخی بانک‌ها برای اولین بار در حالت اضطرار سایبری قرار گرفتند.

متجاوز نه پیروزی داشت، نه بی‌هزینه ماند.

حملات غافلگیرانه و پی‌درپی، اما بی‌نتیجه قطعی

هفته دوم، جنگ با شلیک مداوم موشک، پهپاد، انجام عملیات سایبری و خرابکاری‌های پشت‌صحنه ادامه داشت، متجاوز تلاش می‌کرد توازن روانی و نظامی را به سود خود تغییر دهند. اما هر حمله، به ضد حمله منجر می‌شد، و هر پیروزی موقت، بهایی بلندمدت داشت.

در این هفته:

- ایران با پهپادهای انتحاری، پایگاه‌های ذخیره‌سازی سوخت در اشکلون را هدف گرفت
- رژیم صهیونیستی با حمله سایبری به سامانه‌های حمل‌ونقل شهری تهران، حملات غیرنظامی روانی را افزایش داد
- ایران تأسیسات هسته‌ای دیمونا را هدف حمله موشکی اعلام نشده قرار داد؛ آژیرها اما از واقعیت خبر می‌دادند
- پهپادهای رژیم صهیونیستی بار دیگر در مرزهای کردستان عراق فعال شدند و تلاش برای ترور نیروهای ایرانی شدت گرفت.

خسارات سنگین: زیرساخت، سرمایه، جان انسان‌ها

در ایران، آمارهای غیررسمی از تخریب بخشی از تأسیسات نیمه‌صنعتی مرتبط با پروژه هسته‌ای خبر دادند. ده‌ها شهید از نیروهای متخصص، دانشمند، و حتی کادر درمان و اورژانس در اثر حملات غیرمستقیم اعلام شدند. در رژیم صهیونیستی، حدود ۲۵۰ هزار نفر از مناطق شمالی و جنوبی تخلیه شدند. زیرساخت آب در عسقلان و شبکه برق در مناطق نزدیک به نوار غزه آسیب دید. پروازها از فرودگاه بن‌گوریون لغو شدند و برخی بانک‌ها برای اولین بار در حالت اضطرار سایبری قرار گرفتند.

جنگ روانی: رسانه‌ها، ابزار جدید میدان نبرد

رژیم صهیونیستی با انتشار تصاویری از مراکز تخریب‌شده در اصفهان و فردو، سعی در القای ضعف ایران داشت. در



رهبر انقلاب صبح امروز ضمن تأکید بر لزوم رعایت جهتگیری‌های درست:

دست پُر ایران در میدان دیپلماسی و در میدان نظامی

خدای متعال نصرت را برای ملت ایران تضمین کرده است

آتش بس و شروع نبرد دیپلماسی

وقتی جنگ در میدان به بن بست رسید، دیپلماسی وارد کارزار شد

زمزمه‌های صلح در زیر صدای انفجار

با گذشت نزدیک به ده روز از آغاز جنگ، آنچه روشن شده بود نه پیروزی نظامی برای متجاوز، بلکه توقف ناپذیری خسارت و فرسودگی اجتماعی برای هر دو طرف بود. در چنین شرایطی، برای اولین بار از سوی منابع آگاه در منطقه، اخباری درباره گفت‌وگوهای غیررسمی میان واسطه‌های منطقه‌ای و طرف‌های درگیر منتشر شد. قطر، عمان و چین به عنوان سه بازیگر دارای رابطه متوازن با هر دو کشور، در مرکز این مذاکرات بودند. با وجود تکذیب‌های رسمی، اسنادی وجود داشت که نشان می‌داد تماس‌هایی میان طرفین از طریق واسطه‌ها برقرار شده است؛ تماس‌هایی که با لحن «امینی-فنی» آغاز، و به تدریج به «ملاحظات آتش بس» نزدیک می‌شد.

دیپلماسی در سایه - زبان تهدید یا پیشنهاد؟

در حالی که میدان هنوز داغ بود، زبان دیپلماسی متفاوت عمل می‌کرد. واسطه‌ها با الگویی از تهدید متقابل و پیشنهادهای نرم تلاش داشتند دو طرف را به نوعی «توقف درگیری» راضی کنند. پیشنهادهای اولیه شامل مواردی نظیر:

- توقف حملات به زیرساخت‌های حیاتی
- عدم هدف گیری مستقیم پایگاه‌های نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی

- تعیین بازه زمانی برای بررسی امکان بازگشت به میز مذاکره در وین

اگرچه این پیشنهادها رسماً پذیرفته نشدند، اما تحولات میدانی نشان داد ضرب‌آهنگ جنگ کند شده است.

نشانه‌های تغییر: سکوتی در رسانه، تأخیری در حملات

از روز دهم جنگ، تغییراتی محسوس شد: سکوت خبری رسانه‌های رژیم صهیونیستی درباره عملیات در ایران، توقف حملات سایبری گسترده، پرواز مجدد برخی خطوط هوایی در آسمان منطقه، کاهش

قابل توجه فعالیت جنگنده‌های آمریکا در خلیج فارس تحلیل‌گران این تغییرات را نشانه‌ای از توافق نانوشته برای تنفس تلقی کردند؛ نوعی آتش بس غیررسمی که در هیاهوی میدان، با چراغ خاموش عمل می‌کرد.

جامعه خسته، خواهان پایان

در رژیم صهیونیستی، افکار عمومی به وضوح از ادامه جنگ خسته شده بودند. تداوم حضور در پناهگاه‌ها، نگرانی از هدف گیری زیرساخت‌ها و ترس از گسترش دامنه جنگ، صدای مردم را بلند کرده بود.

در این مرحله، نقش کشورها پررنگ‌تر شد:

- **چین:** به دنبال حفظ ثبات انرژی و گسترش نفوذ در خاورمیانه
- **آمریکا:** تلاش برای جلوگیری از ورود به جنگ مستقیم و مهار تورم داخلی
- **روسیه:** امیدوار به تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه
- **کشورهای عربی خلیج فارس:** نگران از تبدیل شدن به میدان نبرد ناخواسته
- هر یک از این بازیگران، با اهداف متفاوت، اما با یک خواسته مشترک وارد شدند:
- پایان فوری بحران.

آتش بس، یا توقف تاکتیکی؟

در نهایت، آنچه شکل گرفت نه صلح، بلکه یک آتش بس نانوشته و مشروط بود؛ وضعیتی که دو طرف به آن رضایت نداشتند، اما ادامه‌اش را هم نمی‌خواستند.

در رژیم صهیونیستی، افکار عمومی به وضوح از ادامه جنگ خسته شده بودند. تداوم حضور در پناهگاه‌ها، نگرانی از هدف گیری زیرساخت‌ها و ترس از گسترش دامنه جنگ، صدای مردم را بلند کرده بود.



آتش بس، سایه جنگ - زخم ها، حماسه ها

باز تاب جهانی: خاورمیانه، همچنان مرکز بحران

در دنیا این درگیری تحلیل شد به عنوان نقطه اوج ناتوانی سیاست مهار. جنگی که سازمان ملل در آغاز و پایان نقشی نداشت، نشان داد سازوکارهای سنتی صلح سازی دیگر کار نمی کنند. تحلیل گران برجسته بین المللی در وال استریت ژورنال و لوموند نوشتند: جنگ ۱۲ روزه، آغازگر فصل تازه ای در نظم امنیتی خاورمیانه است؛ نظامی که بر محور بازیگران مستقل و اراده های غیردولتی شکل می گیرد.

در حافظه فرهنگی ما چه ماند؟

در نگاه فرهنگی، این جنگ نه فقط مجموعه ای از حملات و پاسخ ها، بلکه روایتی تازه از هویت ملی ایرانیان، همبستگی جمعی و تجربه فریب و خونخواری دشمن متجاوز بود. مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان یا نبرد غزه، ادبیات مقاومت، خاطره های مردمی، اشعار، فیلم ها و مستندها به زودی از این واقعه متولد خواهند شد.

تحلیل دقیق و جامع این جنگ زمان می خواهد و تاریخ حماسه ها و عظمت ایران را بهتر قضاوت می کند؛ گرچه اندوه از دست دادن عزیزان، نگاه غمبار مادران شهدا، و چشمان اشکبار کودکانی که والدین خود خود را از دست داده اند هرگز فراموش شدنی نیست..

پایان؟ یا مکث؟

با پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، هیچ چیز تمام نشد. پرونده های دیپلماتیک، جبهه های سایبری، پروژه های بازسازی، و مهم تر از همه، زخم های فرهنگی و اجتماعی این درگیری، هنوز باز هستند. ما اکنون در فصل تازه ای هستیم؛ فصلی که در آن، هر جمله، هر نگاه، و هر تصمیم، ممکن است جنگ یا صلح آینده را بسازد.

درگیری ۱۲ روزه به عنوان «نبرد بازدارندگی، پایان صبر استراتژیک و اثبات اقتدار منطقه ای» تحلیل شد. از نقش سپاه در مقابله با تجاوز و حمله به پایگاه العُدید، همه به عنوان پاسخ هایی متناسب با نقض های امنیتی و ترورهای اخیر مطرح شدند.

آتش بس شد، اما سایه جنگ هست

دوازده روز پس از آغاز یکی از پرتنش ترین درگیری های مستقیم منطقه ای در قرن جدید، سکوتی سنگین بر فضای سیاسی و اجتماعی منطقه سایه افکند. متجاوز در تحقق اهداف اعلامی خود ناکام ماند و خواهان آتش بس شد توافق نامه ای امضا نشد ولی آتش بس صورت گرفت آتش بسی که اطمینانی بر آن نبود.

از طرفی شهرها با زخم های آشکار، خانواده هایی با جاهای خالی عزیزان و حافظه ای ملتهب به جا ماند.

روایت های متناقض: پیروزی، مقاومت یا

ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در نبردی سنگین و بازدارنده، ضربات هولناک و سنگینی بر دشمن وارد کرد و اقتدار منطقه ای خود را بیش از پیش اثبات کرد. از موشک باران رژیم صهیونیستی در مقابله با تجاوز تا حمله به پایگاه العُدید، همه به عنوان پاسخ هایی متناسب با نقض های امنیتی و ترورهای اخیر مطرح شدند.

در سوی مقابل، رسانه های رژیم صهیونیستی، با روایت هایی پر از اغراق یا پنهان کاری، تلاش داشتند از نمایش شکست جلوگیری کنند. نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کنفرانسی ادعا کرد: زیرساخت های هسته ای ایران را برای سال ها به عقب برگرداندیم.

اما صدای مخالف در داخل رژیم صهیونیستی هم بلند بود: خبرنگار شبکه کانال ۱۳ رژیم صهیونیستی نوشت: اسرائیل دیگر از بازدارندگی مطلق برخوردار نیست. این را مردم در پناهگاه ها بهتر از هر کس دیگر فهمیدند.

جامعه ایرانی: افتخار و سربلندی

واکنش مردم ایران دیدنی بود. تصاویر باشکوه تشیع فرماندهان و دانشمندان و فرزندان شهید، احساس غرور و اتحاد بی سابقه و بی نظیر. گرچه اندوه از دست رفتن عزیزان بسیار سنگین بود و همزمان دغدغه متعدد، نگرانی ها نیز سنگینی می کرد.

مردم از فریب و پیمان شکنی متجاوز خشمگین بودند و این سوال مطرح بود آیا جنگ تمام شده یا مقدمه ای است برای جنگ بزرگ تر؟ آیا امکان بازسازی قدرت هسته ای ایران هست؟



حمله ایران به پایگاه «العدید»: سیلی قدرتمند به آمریکا

واکنشی مؤثر در برابر تجاوز و تهدیدات دشمن

حمله موشکی جمهوری اسلامی ایران به پایگاه نظامی «العدید» در قطر، که مرکز عملیات نیروهای آمریکایی در منطقه به شمار می‌رود، یکی از نقاط عطف مهم در تنش‌های اخیر خاورمیانه بود. این حمله، واکنشی قاطع و محکم به تجاوزات و تهدیدات رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا از آن بود و نشان داد ایران در برابر هر گونه تهدید، آماده و مقتدر است.

چرایی و اهمیت هدف‌گیری پایگاه العدید

پایگاه «العدید» به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی و مرکز فرماندهی و کنترل آمریکا در منطقه نقش مهمی در حمایت از عملیات‌های نظامی رژیم صهیونیستی و مدیریت فشار بر ایران دارد.

حمله به این پایگاه، نه تنها ضربه‌ای به تجهیزات و نیروی انسانی دشمن بود بلکه پیامی روشن به آمریکا و متحدانش ارسال کرد که امنیت و مصالح ایران خط قرمز است و هر گونه تعرض با واکنش سخت مواجه خواهد شد.

نقش توان موشکی ایران در عملیات العدید

نیروهای مسلح ایران با بهره‌گیری از توان موشکی پیشرفته خود، توانستند حمله‌ای دقیق و حساب‌شده به پایگاه العدید انجام دهند. این عملیات نشان‌دهنده توانمندی بالای ایران در انجام ضربات راهبردی و نقطه‌ای است که پیامدهای سیاسی و نظامی گسترده‌ای به دنبال دارد.

این موفقیت عملیاتی، حاصل سال‌ها تلاش برای توسعه سامانه‌های موشکی و آموزش تخصصی نیروهاست که ایران را به قدرت برتر موشکی منطقه تبدیل کرده است.

پیام تبریک رهبر انقلاب پس از عملیات العدید

پس از موفقیت این عملیات، حضرت امام خامنه‌ای مدظله الشریف پیام مهمی صادر کردند که نشان‌دهنده رضایت و حمایت رهبری از این اقدام بود. ایشان ضمن تبریک به نیروهای مسلح و ملت ایران، این حمله را سیلی محکم به آمریکا توصیف کردند و تأکید کردند که این پاسخ مقتدرانه، تنها بخشی از توان و اراده جمهوری اسلامی برای حفظ امنیت کشور است.

رهبر انقلاب همچنین یادآور شدند که ایران با چنین توانمندی‌هایی نه تنها در برابر تجاوزات دشمن مقاومت می‌کند، بلکه مسیر خود را با قوت و استحکام ادامه خواهد داد.

واکنش‌ها و تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی

حمله به پایگاه العدید، باعث شوک در میان مقامات آمریکایی و هم‌پیمانانش شد و تأثیرات گسترده‌ای در سطح منطقه داشت. این اقدام نشان داد که ایران آماده است تا در صورت لزوم، مستقیماً با پایگاه‌های مهم نظامی آمریکا مقابله کند و هیچ تهدیدی را بی‌پاسخ نگذارد.

از سوی دیگر، این عملیات موجب تقویت روحیه مقاومت در میان نیروهای متحد ایران در منطقه شد و نقشه‌های دشمنان را با چالش جدی مواجه ساخت.

سیلی قدرتمند ایران به آمریکا

حمله به پایگاه العدید نمادی از قدرت و اراده جمهوری اسلامی ایران است که توانسته است با بهره‌گیری از توان موشکی پیشرفته، امنیت ملی را تضمین کند و دشمنان را به عقب‌نشینی وادار سازد.

پیام رهبری و تبریک به نیروهای مسلح، نشانه‌ای از عزم راسخ ایران در مسیر مقاومت و مقابله با هر گونه تهدید است. این حمله، بار دیگر ثابت کرد که ایران نه تنها از نظر نظامی آماده است بلکه قادر است به بهترین شکل از منافع و امنیت کشور دفاع کند.

حمله به پایگاه العدید نمادی از قدرت و اراده جمهوری اسلامی ایران است که توانسته است با بهره‌گیری از توان موشکی پیشرفته، امنیت ملی را تضمین کند و دشمنان را به عقب‌نشینی وادار سازد.



لبیک عاشورا به ندای ایران: روایت حضور، اقتدار و همبستگی در شب حماسه

۳. درس بزرگ در جنگ شناختی

- در جهانی که رسانه‌ها ذهن‌ها را هدف گرفته‌اند، این حضور ساده اما عمیق، روایت دشمن را شکست داد.
- نشان داد که اقتدار واقعی در سادگی، ایمان و حضور به موقع نهفته است.

۴. اتحاد ملی فراتر از جناح‌ها

- حتی منتقدان و ناراضیان سال‌های اخیر، از این حضور دل‌شاد شدند.
- این لحظه، همبستگی ملی را بازسازی کرد و شکاف‌ها را ترمیم نمود.

۵. پیام جهانی از دل حسینی

- رسانه‌های بین‌المللی مثل الجزیره، رویترز، واشنگتن‌پست و اسرائیل هیوم، این حضور را بازتاب دادند.
- ایران نشان داد که با تکیه بر فرهنگ عاشورایی، می‌تواند حتی ابزار دشمن را به نفع خود به کار گیرد.

لحظه‌ای که رهبر انقلاب در شب عاشورا با آرامش و اقتدار وارد حسینیه شد و فرمود «ای ایران بخوان»، فقط یک حضور نبود- بلکه نقطه جوش یک ملت بود. این لحظه چند لایه‌ی عمیق داشت:

۱. شکست جنگ روانی دشمن

- رسانه‌های معاند، غیبت رهبر را نشانه ضعف می‌دانستند.
- با حضور ناگهانی و فرمان «ای ایران»، تمام سناریوهای آن‌ها فرو ریخت.
- حتی رسانه‌های غربی و صهیونیستی مجبور شدند این حضور را بازتاب دهند.

۲. نمایش اقتدار ملی در دل حزن مذهبی

- عاشورا همیشه نماد مقاومت بوده؛ این بار، با حضور رهبر، مقاومت ملی و دینی در هم تنیده شد.
- سرود «ای ایران» در شب عاشورا، پیوندی بی‌نظیر بین عشق به وطن و عشق به حسین (ع) ایجاد کرد.



حسین بن شجاع‌الله شاکر افشار

ستاره‌هایی درخشان از شهدای اقتدار

«ما هرگز برای دفاع از استقلال، هویت، اعتبار و اقتدارمان به هیچ قدرتی بیرون از مرزهای نظام متکی نبوده ایم. اساساً می‌خواهیم به دشمنانمان بگوییم محاسباتتان را تنظیم کنید، اشتباه نکنید، مراقب باشید، ما اهل عملیم. به موقع و به اندازه اقدام می‌کنیم و از هیچ چیزی هم اغماض نمی‌کنیم.»



«قدرت واقعی ما در اراده ملت ایران نهفته است. هر تهدیدی که به کشور ما وارد شود، ما نه تنها از آن نخواهیم ترسید، بلکه آن را به فرصتی برای تقویت توانمندی‌های خود تبدیل خواهیم کرد. مقاومت ما ادامه دارد تا روز پیروزی.»

آنها ماهی را از آب می‌ترسانند! ما چهل سال با غسل شهادت زندگی کردیم، از اینجور چیزها نمی‌ترسیم. ما تا لحظه‌ای که زنده هستیم در تلاسیم. و {رزمندگان اسلام} ضمن اینکه آماده شهادت اند، شبانه روز دارند کار می‌کنند. و مطمئناً ایران ما ماندنی است و رژیم صهیونیستی رفتنی است. قطعاً رفتنی است! ما یک عمر خودمان را پیش‌مرگ مردم کردیم و امروز هم آبرویمان را با خداوند متعال معامله می‌کنیم.



«فرماندهان ما از نسل جنگ و از نسل انقلاب هستند. فرزندان خمینی هستند که جنگ را با جنگ آموخته اند، دشمن به دنبال آزمون اراده و قدرت ما نباشد، زیرا قطعا تحمل هزینه های رویارویی گسترده و همه جانبه با ما را ندارد.»



«جهاد تبیین و روشن کردن مسائل یک تکلیف مهم برای همه ما است. ما نباید دچار کفران نعمت بشویم و باید به عقب نگاه کنیم تا ببینیم شرایط ما چگونه بود و حالا چگونه است. وضعیت اکنون صدها برابر، نه ده ها برابر، بلکه صدها برابر از گذشته بهتر است.»



«آدم وقتی که رفیق شهید داشته باشد، فاصله ای بین خود و آن موضع پیدا نمی کند. وقتی به من می گویند از فلان ترور در رفتی! برای من فرقی نمی کند. همیشه منتظرم که خمپاره کنار من فرود بیاید! هیچ تضمینی برای ماندن در صراط نیست. آدم همیشه می ترسد از اینکه بلغزه! خدا عاقبتمان را بخیر کند.»



«هر کسی در این عالم جایگاه خاصی دارد. هر کس یک بازیگری است که کارگردان عالم به او می گوید چکار کند، همه شهدا همین طور بودند. یکی مطرح می شود و یکی گمنام می ماند»



غرور ملی و همبستگی ایرانیان در برابر تجاوز دشمن

حتی آنان که پیش‌تر منتقد سیاست‌ها بودند، در برابر این تهدید، سکوت نکردند. برعکس، صدای اعتراضشان به تجاوز بیرونی بلند شد، چرا که برای آنان نیز وطن، خط‌قرمز است.

دشمن، ملت را بهتر بشناسد

رژیم صهیونیستی شاید با تحلیل‌های سرد اطلاعاتی، تصور می‌کرد ضربه‌ای نظامی می‌تواند موجب شکاف یا سستی در اراده ایران شود. اما پاسخ جامعه ایران نشان داد که فهم این ملت با تحلیل‌های سطحی نمی‌خواند. ایران، تنها یک کشور نیست؛ یک حس مشترک، یک ریشه عمیق، و یک حافظه تاریخی است.

شاید موشک‌ها بتوانند به خاک آسیب بزنند، اما غرور یک ملت رانه می‌توان بمباران کرد، نه به آتش کشید. آنچه زبانه کشید، نه فقط آتش و دود، بلکه آتش غیرت و غرور ملی بود.

ایران، در اوج ایستادگی

این ماجرا هم خواهد گذشت. اما آنچه باقی خواهد ماند، خاطره‌ای جمعی از روزهایی است که ملت ایران، بار دیگر دست در دست هم از حیثیت و موجودیت خود دفاع کردند. دشمن آتش افروخت، اما این آتش، بیشتر از آن که ویران کند، اتحاد آفرید.

در این خاک، مردمانی زندگی می‌کنند که اگرچه گاه زخمی می‌شوند، اما هیچ‌گاه نمی‌شکنند.

در لحظاتی از تاریخ، زخم‌هایی که بر پیکر یک سرزمین می‌نشیند، نه تنها آن را ز پا نمی‌اندازد، بلکه روحی تازه در کالبدش می‌دمد. حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران، فارغ از پیامدهای نظامی، بار دیگر موجب شعله‌ور شدن احساسی دیرین در دل مردم شد: غرور ملی و همبستگی در برابر دشمن.

دل‌هایی که در آتش، به هم نزدیک‌تر شدند

ایرانیان شاید در مسائل روزمره با دیدگاه‌های متنوع و گاه متضاد زندگی کنند، اما در برابر تهدیدی که بیرون از مرزها سر برآورد، دست در دست هم دادند. از کوچه و خیابان‌های شهر گرفته تا فضای مجازی، همه‌جا پر شد از پیام‌هایی که یک مضمون مشترک داشت: ما ایستاده‌ایم. اتحاد، تنها در قالب شعار نبود؛ دل‌های مجروح، چشم‌هایی اشک‌بار، و صدایی مشترک در ابراز همدردی با آسیب‌دیدگان و تجلیل از ایستادگی نیروهای دفاعی کشور، نشان داد که هویت ایرانی هنوز بر خاکسترها نیز سر برمی‌کشد.

غروری که خاک نمی‌شود

غرور ملی ایرانیان، صرفاً روایتی تاریخی از گذشته‌ای پر افتخار نیست؛ بلکه واقعیتی زنده و جاری در زیست‌جهان امروز این ملت است. در مواجهه با تجاوز، این غرور دوباره خود را نمایان ساخت؛ غروری نه متکی بر قدرت نظامی صرف، بلکه بر شرافت، استقامت، و حس عمیق تعلق به میهن.

شکوه عهد و پیمان یک ملت با شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم اشغالگر صهیونیستی

قیام از دل سوگ

آسمان، آن روز رنگ اندوه داشت؛ گویی خود به سوگ نشسته بود در عزای فرزندان وطن. خیابان‌ها بدل به رودخانه‌هایی از انسان شده بودند، جاری از اشتیاق، اندوه، و ایمان. این مراسم، تشییع نبود؛ یک نهضت بود. نهضتی از دل‌های بیدار، از جان‌هایی که به نام آزادی و عدالت عهد بستند.

در میان سیل جمعیت، پرچم‌ها چون موج‌های شعله‌ور در باد می‌رقصیدند، و فریاد «لیک یا خامنه‌ای» از هزاران گلو، طنین انداخت در قلب شهر. نه اشک تنها جاری بود؛ که باور، که بیداری، که تجلی وفاداری.

شکوه قهرمانان خاموش

فرماندهان بی‌ادعا، دانشمندان هسته‌ای که روشنایی اندیشه‌شان تاریکی را شکست داد، مادرانی که صبورانه داغ فرزندان‌شان را در دل پنهان کردند، و کودکانی که بی‌گناه بال گشودند... همه شدند اسطوره‌های خاک؛ قهرمانان خاموشی که فریادشان از مرز زمان گذشت.

پیکرهایشان در میان گل‌ها و نخل‌های برافراشته، چون مشعل‌هایی بودند بر سر راه این ملت. شکوهشان فراتر از کلمات، عظمتشان فراتر از تاریخ بود.

پیمان بی‌پایان مردم با شهدا

در آن لحظه‌ها، مردم نیامده بودند فقط برای خداحافظی؛ آمده بودند برای عهدی بزرگ. عهدی که با اشک نگاشته شد، با فریاد تثبیت شد، و با قلب‌های مشتاق مهر تأیید خورد. شهیدان رفتند، اما راهشان در دل میلیون‌ها نفر جوانه زد.

کودکان با دست‌های کوچکشان پرچم جمهوری اسلامی را بالا نگه داشته بودند؛ و پیران، با چشمانی خسته اما امیدوار، لبخند تلخی از سربلندی زده بودند. این پیمان، جاری در رگ‌های این ملت بود.

انسجام از دل درد

همه آمده بودند؛ از هر قوم و زبان، با هر عقیده و تفکر. هیچ فاصله‌ای نبود، جز فاصله دل تا شهید. مراسم تشییع، یک واقعه نبود؛ یک پیام بود. پیام اتحاد، انسجام، و نوری که از دل تاریکی برخاست.

اینجا، ملت ایران قامت افراشت؛ نه فقط در برابر ظلم، بلکه در برابر فراموشی. و عهد کرد: که راه شهیدان، با امید، با ایمان، و با ایستادگی ادامه خواهد یافت.



را نابود کند و مجبور به عقب‌نشینی شد.

- **تقویت مقاومت اسلامی:** این جنگ باعث شد که حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک نیروی قدرتمند در منطقه شناخته شود.

- **افزایش محبوبیت حزب‌الله:** پس از این جنگ، محبوبیت حزب‌الله در لبنان و جهان اسلام افزایش یافت.



۸ مرداد ماه؛ روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی:

شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ هجری قمری) فیلسوف و عارف برجسته ایرانی بود که مکتب حکمت اشراق را بنیان‌گذاری کرد. او در شهر سهرورد از توابع زنجان متولد شد و در علوم مختلف از جمله فلسفه، عرفان، منطق و فقه مهارت یافت. سهروردی تحت تأثیر اندیشه‌های افلاطون، زرتشت و ابن سینا قرار داشت و تلاش کرد حکمت ایران باستان را احیا کند.

او در دوران جوانی به شهرهای مختلفی مانند مراغه، اصفهان، دیاربکر و حلب سفر کرد و در دربار ملک ظاهر ایوبی در حلب مستقر شد. اما به دلیل دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی خاص خود، مورد مخالفت علمای قشری قرار گرفت و در نهایت به دستور صلاح‌الدین ایوبی در زندان حلب درگذشت. از آثار برجسته او می‌توان به حکمة الاشراق، تلویحات، عقل سرخ، آواز پر جبرئیل و قصه الغریبه اشاره کرد. فلسفه او بر نور و مراتب آن استوار بود و او هستی را بر اساس نورالانوار و انوار قاهره تبیین می‌کرد.



۲۳ مرداد ماه روز مقاومت اسلامی:

روز مقاومت اسلامی در ایران به مناسبت پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) نام‌گذاری شده است. این جنگ که از ۱۲ ژوئیه تا ۱۴ اوت ۲۰۰۶ به طول انجامید، یکی از مهم‌ترین نبردهای مقاومت اسلامی بود که منجر به شکست رژیم صهیونیستی شد.

این روز توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران به‌عنوان نمادی از ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و تجاوز نام‌گذاری شده است. حزب‌الله لبنان به رهبری سید حسن نصرالله توانست در این نبرد، همنه رژیم صهیونیستی را در هم بشکند و الگویی برای مقاومت در جهان اسلام ارائه دهد.

دلایل آغاز جنگ

این جنگ پس از عملیات الوعد الصادق توسط حزب‌الله آغاز شد. در این عملیات، نیروهای حزب‌الله موفق شدند دو نظامی اسرائیلی را اسیر بگیرند. رژیم صهیونیستی در واکنش به این اقدام، حملات گسترده‌ای را علیه لبنان آغاز کرد و جنگی تمام‌عیار شکل گرفت.

مهم‌ترین رویدادهای جنگ

- **حملات هوایی و زمینی:** رژیم صهیونیستی با استفاده از نیروی هوایی و زمینی، مناطق مختلف لبنان را هدف قرار داد و خسارات زیادی به زیرساخت‌های این کشور وارد کرد.

- **مقاومت حزب‌الله:** نیروهای حزب‌الله با استفاده از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن، توانستند ضربات سنگینی به ارتش اسرائیل وارد کنند.

- **پایان جنگ:** پس از ۳۳ روز نبرد، آتش‌بس برقرار شد و رژیم صهیونیستی نتوانست به اهداف خود دست یابد. حزب‌الله این جنگ را پیروزی الهی نامید.

نتایج و پیامدها

- **شکست اسرائیل:** رژیم صهیونیستی نتوانست حزب‌الله



۲۸ مرداد ماه، سالروز فاجعه آتش زدن سینما رکس آبادان

فاجعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان یکی از تلخ‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است که در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ رخ داد. این حادثه زمانی اتفاق افتاد که سینما رکس آبادان در حال نمایش فیلم گوزن‌ها ساخته مسعود کیمیایی بود. در این آتش‌سوزی، بیش از ۴۲۰ تا ۷۰۰ نفر جان خود را از دست دادند.

جزئیات حادثه

در شب ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، افراد ناشناس با استفاده از مواد آتش‌زا، سالن سینما را به آتش کشیدند. درهای خروجی سینما بسته شده بود و همین امر باعث شد که بسیاری از تماشاگران در میان شعله‌های آتش گرفتار شوند. این حادثه به سرعت به یکی از مهم‌ترین رویدادهای پیش از انقلاب اسلامی تبدیل شد و واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت.

پیامدهای حادثه

- افزایش اعتراضات مردمی: این فاجعه باعث شد که مردم ایران بیش‌ازپیش علیه حکومت پهلوی اعتراض کنند.
- تحقیقات و ابهامات: در ابتدا، حکومت پهلوی مخالفان سیاسی را مسئول این حادثه دانست، اما بعدها روایت‌های از نقش ساواک درباره عاملان این فاجعه مطرح شد.
- تأثیر بر انقلاب اسلامی: این حادثه یکی از عوامل تسریع‌کننده انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بود.



وقایع ۲۸ مرداد و برکناری دکتر محمد مصدق

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است که منجر به برکناری دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت، شد. این کودتا با حمایت آمریکا و بریتانیا و تحت عملیات موسوم به آژاکس انجام شد.

زمینه‌های کودتا

پس از ملی شدن صنعت نفت ایران به رهبری مصدق، دولت بریتانیا و آمریکا تلاش کردند تا حکومت او را سرنگون کنند. تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی علیه دولت مصدق افزایش یافت و در نهایت، با همکاری برخی نیروهای داخلی، کودتا عملی شد.

وقایع ۲۸ مرداد

در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نیروهای وابسته به شاه و ارتش، با حمایت مالی و لجستیکی آمریکا و بریتانیا، به خیابان‌ها آمدند و ساختمان‌های دولتی را تصرف کردند. پس از درگیری‌های شدید، مصدق از قدرت کنار زده شد و فضل‌الله زاهدی به‌عنوان نخست‌وزیر جدید منصوب شد.

پیامدهای کودتا

این کودتا باعث شد که رژیم وابسته پهلوی قدرت خود را تثبیت کند و ایران وارد دوره‌ای از حکومت استبدادی شود. همچنین، روابط ایران و آمریکا تحت تأثیر این واقعه قرار گرفت و زمینه‌ساز انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ معاصر ایران بود که تأثیرات بلندمدتی بر سیاست، اقتصاد و جامعه ایران گذاشت. این کودتا که با حمایت آمریکا و بریتانیا انجام شد، منجر به برکناری دکتر محمد مصدق و تثبیت حکومت محمدرضا پهلوی شد.

رژیم صهیونیستی چگونه متولد شد؟

از «رؤیای صهیونیسم» تا «فاجعه تکه» فلسطینیان

تأسیس دولت رژیم صهیونیستی یکی از پرتنش‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین رخداد‌های قرن بیستم است. این واقعه نه تنها سرنوشت میلیون‌ها فلسطینی را تغییر داد، بلکه ساختار ژئوپلیتیکی خاورمیانه را نیز دگرگون ساخت. تولد رژیم صهیونیستی، حاصل درهم‌تنیدگی یک ایدئولوژی نژادی، حمایت قدرت‌های استعماری، و بی‌ثباتی داخلی جوامع عربی بود.

صهیونیسم: ایدئولوژی یک «ملت در تبعید»

جنبش صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم و در بستر ناسیونالیسم اروپایی شکل گرفت. رهبران آن معتقد بودند که یهودیان باید به عنوان یک ملت مستقل، در سرزمینی مشخص گرد آیند. تنودور هرتزل، روزنامه‌نگار اتریشی و بنیان‌گذار صهیونیسم سیاسی، در کتاب *Der Judenstaat* (دولت یهود، ۱۸۹۶) نوشت: یهودیان یک ملت هستند؛ پس باید یک دولت داشته باشند.

صهیونیسم خواهان تشکیل یک دولت بود؛ آن هم در فلسطین، سرزمینی که در آن زمان عمدتاً مسلمان و عرب‌نشین بود.

حمایت استعماری: اعلامیه بالفور و آغاز اشغال نرم

در سال ۱۹۱۷، آرتور بالفور، وزیر خارجه بریتانیا، در نامه‌ای خطاب به لرد روچیلد، حمایت رسمی دولت بریتانیا از ایجاد «وطن ملی یهود» در فلسطین را اعلام کرد. این بیانیه، معروف به اعلامیه بالفور، نخستین تأیید رسمی یک قدرت بزرگ جهانی بر پروژه صهیونیستی بود.

با تسلط بریتانیا بر فلسطین پس از جنگ جهانی اول، مهاجرت یهودیان به این سرزمین شدت گرفت. ساختارهای سیاسی، اقتصادی، و شبه‌نظامی (مانند هاگانا و پالماخ) شکل گرفتند و زمینه برای تحقق یک دولت موازی فراهم شد؛ دولتی که هنوز اعلام نشده بود اما همه اجزای آن آماده بودند.

مقاومت عربی و واکنش جهانی

مردم فلسطین که شاهد تغییر ترکیب جمعیتی و خرید زمین‌ها توسط آژانس یهود بودند، به شدت نگران شدند. شورش‌ها و اعتراضات گسترده در دهه ۱۹۳۰ به وقوع پیوست. با ورود موج‌های بعدی مهاجرت یهودیان از اروپا به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم بحران تشدید شد.

در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل متحد با قطعنامه ۱۸۱ طرح تقسیم فلسطین به دو دولت عرب و یهودی را تصویب کرد. یهودیان با آن موافقت کردند، اما اعراب فلسطین و کشورهای عربی آن را رد کردند، چرا که بیش از ۵۵٪ از سرزمین فلسطین به دولتی واگذار می‌شد که تنها یک‌سوم جمعیت را تشکیل می‌داد.

۱۴ مه ۱۹۴۸: اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی و آغاز جنگ

در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۸، یک روز پیش از پایان قیمومیت بریتانیا،



دیوید بن گوریون، رهبر وقت صهیونیست‌ها، **موجودیت رسمی دولت رژیم صهیونیستی** را اعلام کرد. بلافاصله کشورهای عربی از جمله مصر، اردن، عراق، لبنان و سوریه وارد جنگ شدند. این جنگ که در ادبیات رژیم صهیونیستی به «جنگ استقلال» و در زبان فلسطینیان به «نکبه» (فاجعه) معروف است، به **آوارگی بیش از ۷۵۰ هزار فلسطینی** و تخریب بیش از ۵۰۰ روستا انجامید. این یکی از بزرگ‌ترین پاک‌سازی‌های قومی قرن بیستم بود.

آیا رژیم صهیونیستی از ابتدا یک پروژه نظامی بود؟

ساختار اولیه دولت رژیم صهیونیستی برخاسته از ائتلاف میان رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی بود. سازمان‌های شبه‌نظامی چون **ایرگون و هاگانا** نه تنها در جنگ شرکت کردند، بلکه در برخی مناطق مرتکب **جنایات مستندی مانند کشتار دیر یاسین** شدند. از همان ابتدا، امنیت ملی به مثابه ستون فقرات رژیم صهیونیستی تعریف شد؛ ساختار ارتش، موساد، و تأسیسات نظامی - اطلاعاتی مانند دیمونا، بر پایه این مفهوم توسعه یافتند.

منابع:

۱. عبدالجواد، عاطف. تاریخ فلسطین از آغاز تا اشغال.
۲. حسینی، داود. «پیدایش رژیم صهیونیستی و نقش استعمار بریتانیا».



جنگ دوم اعراب و رژیم صهیونیستی

نتایج سیاسی: شکاف عمیق در جهان عرب

شکست سنگین کشورهای عربی، به ویژه مصر و سوریه، در این جنگ، ضربه‌ای شدید به ایدئولوژی پان عربی عبدالناصر وارد کرد. در مقابل، رژیم صهیونیستی اعتماد به نفس سیاسی و نظامی یافت و در سطح بین‌المللی، از یک موجودیت تهدید شده به یک قدرت اشغالگر تمام عیار تبدیل شد. ایالات متحده نیز از این نقطه به بعد حمایت استراتژیک گسترده‌تری از رژیم صهیونیستی آغاز کرد.

قطعه نامه ۲۴۲؛ صلح در ازای زمین؟

در پی جنگ، شورای امنیت سازمان ملل **قطعه نامه ۲۴۲** را صادر کرد. این قطعه نامه خواستار: عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی، به رسمیت شناختن حق حیات همه کشورهای منطقه و یافتن راه حل عادلانه برای مسئله آوارگان فلسطینی شد.

اما تفاسیر متفاوت از این قطعه نامه و امتناع رژیم صهیونیستی از عقب‌نشینی کامل، باعث شد این سند نیز نتواند منازعه را پایان دهد.

جنگی که نقشه آینده را تغییر داد

جنگ شش روزه نه تنها مرزهای فیزیکی را تغییر داد، بلکه توازن روانی و استراتژیک منطقه را به نفع رژیم صهیونیستی دگرگون ساخت. سازمان‌هایی چون جبهه خلق برای آزادی فلسطین و بعدها جنبش فتح و سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)، فعالیت خود را در همین دوران گسترش دادند.

منابع:

۱. عسگری، محمدرضا. جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی؛ ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳.
۲. موسوی، محمد. «تحلیل حقوقی جنگ شش روزه و قطعه نامه ۲۴۲».

جنگ شش روزه نه تنها مرزهای فیزیکی را تغییر داد، بلکه توازن روانی و استراتژیک منطقه را به نفع رژیم صهیونیستی دگرگون ساخت.

جنگ شش روزه ۱۹۶۷

زمینه‌های جنگ: تنش، تحریک، آمادگی

از پایان جنگ ۱۹۴۸ تا اواسط دهه ۶۰ میلادی، وضعیت مرزی میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی به ویژه سوریه، مصر و اردن همواره ناپایدار بود. درگیری‌های مرزی، حملات چریکی فلسطینی‌ها از خاک کشورهای همسایه، و پروژه سلسازی رژیم صهیونیستی بر رود اردن، تنش‌ها را افزایش داده بود.

در ماه مه ۱۹۶۷، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را از صحرای سینا خارج کرد، ارتش مصر را به مرزهای رژیم صهیونیستی کشاند و **تنگه تیران** را به روی کشتی‌های رژیم صهیونیستی بست. این اقدام، از دید رژیم صهیونیستی، **اعلان جنگ** بود.

آغاز جنگ: حمله پیش‌دستانه رژیم صهیونیستی به پایگاه‌های هوایی عربی

در صبح روز ۵ ژوئن ۱۹۶۷، رژیم صهیونیستی نیروی هوایی مصر را روی زمین نابود کرد. در کمتر از سه ساعت، حدود ۹۰٪ از هواپیماهای مصر، سوریه و اردن از بین رفتند.

رژیم صهیونیستی عملاً در همان روز اول، **برتری هوایی مطلق** را به دست آورد. پس از آن، حملات زمینی با سرعت به سمت شبه جزیره سینا، بلندی‌های جولان، کرانه باختری و قدس شرقی آغاز شد. ارتش‌های عربی که غافلگیر شده بودند، یکی پس از دیگری عقب‌نشینی کردند.

نتایج نظامی: گسترش اشغال و شکستن خطوط قرمز

در پایان شش روز، رژیم صهیونیستی:

- شبه جزیره سینا و نوار غزه را از مصر گرفت
- کرانه باختری رود اردن و قدس شرقی را از اردن اشغال کرد
- و بلندی‌های جولان را از سوریه تصرف نمود

این اشغالگری گسترده، مساحت تحت کنترل رژیم صهیونیستی را سه برابر کرد و عملاً مرزهای آن را از مرزهای ۱۹۴۸ بسیار فراتر برد. همچنین حدود ۳۰۰ هزار فلسطینی دیگر آواره شدند.

جنگ سوم اعراب و رژیم صهیونیستی

جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳

خشم اعراب، غرور زخمی شده

پس از شکست فاجعه‌بار در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، کشورهای عربی، به‌ویژه مصر و سوریه، در صدد انتقام‌گیری و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی برآمدند. انور سادات در مصر و حافظ اسد در سوریه، هر دو رهبرانی با رویکرد نظامی و دیپلماتیک بودند که فهمیده بودند بدون جنگ نمی‌توان رژیم صهیونیستی را به‌میز مذاکره کشاند.

آغاز جنگ: حمله هماهنگ در روز مقدس

در ظهر روز ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳ (مطابق با ۱۰ رمضان ۱۳۹۳ هجری قمری)، نیروهای مصر و سوریه از دو جبهه به مواضع رژیم صهیونیستی یورش بردند:

- ارتش مصر با عبور از **کانال سوئز** و استفاده از پل‌های متحرک، از خط دفاعی معروف رژیم صهیونیستی، یعنی **خط بارلو** عبور کرد.

- ارتش سوریه نیز از **بلندی‌های جولان** به سمت مناطق اشغالی یورش برد.

انتخاب روز **یوم کیپور** که در آن ارتش رژیم صهیونیستی در وضعیت نیمه‌تعطیل بود، یک شاهکار تاکتیکی محسوب می‌شد. ارتش رژیم صهیونیستی که از نظر اطلاعاتی غافلگیر شده بود، نتوانست به‌سرعت واکنش نشان دهد و متحمل خسارات سنگینی شد.

غافلگیری رژیم صهیونیستی و اولین شکست‌ها

مصر توانست ظرف ۲۴ ساعت بیش از ۸۰۰ تانک را از کانال عبور دهد و چندین کیلومتر به درون صحرای سینا نفوذ کند. در جبهه شمالی، سوری‌ها با سرعت، بخشی از جولان را باز پس گرفتند. ارتش رژیم صهیونیستی که تا آن زمان به شکست‌ناپذیری شهرت داشت، در شوک فرو رفت.

اما این وضعیت دوام نداشت. با ورود سریع نیروهای ذخیره، حمایت همه‌جانبه آمریکا و تغییر تاکتیک‌ها، رژیم صهیونیستی توانست به‌تدریج جلوی پیشروی را بگیرد و سپس در هر دو جبهه به ضد حمله دست بزند.

تغییر ورق: از دفاع به ضد حمله

در هفته دوم جنگ، ورق برگشت:

- در جبهه جنوبی، ارتش رژیم صهیونیستی به فرماندهی آریل شارون از نقطه‌ای ضعیف در میان نیروهای مصری عبور



کرد و با عبور از کانال سوئز، در غرب کانال محاصره‌ای علیه ارتش سوم مصر ترتیب داد.

- در جبهه شمالی، رژیم صهیونیستی توانست نیروهای سوری را عقب براند و مجدداً جولان را به طور کامل تصرف کند.

با وجود بازپس‌گیری زمین‌ها توسط رژیم صهیونیستی، اصل غافلگیری اولیه و دستاوردهای روزهای نخست جنگ، جایگاه مصر و سوریه را در معادلات جدید ارتقا داد.

نقش آمریکا و شوروی: جنگ نیابتی در سایه جنگ سرد

جنگ یوم کیپور در اوج جنگ سرد بین دو ابرقدرت رخ داد. شوروی تسلیحات و مستشاران نظامی به مصر و سوریه فرستاد، در حالی که آمریکا **پل هوایی اضطراری** به راه انداخت و تجهیزات مدرن به رژیم صهیونیستی تحویل داد.

این حمایت‌های بی‌سابقه باعث شد جنگ تا آستانه رویارویی مستقیم قدرت‌های جهانی پیش رود. حتی هشدار هسته‌ای از سوی آمریکا در مراحل پایانی جنگ مطرح شد.

نتیجه سیاسی: شکست نظامی، پیروزی دیپلماتیک مصر

اگرچه رژیم صهیونیستی در پایان جنگ موفق شد خطوط مرزی پیش از جنگ را تا حد زیادی بازپس گیرد، اما جنگ به نفع مصر تمام شد. انور سادات که نشان داده بود رژیم صهیونیستی آسیب‌پذیر است، راه را برای توافقات کمپ دیوید و بازگرداندن صحرای سینا باز کرد.

در مقابل، سوریه که بخش‌هایی از جولان را از دست داد و در مذاکرات غایب بود، بازنده دیپلماتیک جنگ شد. فلسطینی‌ها نیز بار دیگر از معادله کنار گذاشته شدند.

منابع:

۱. تاجیک، محمدرضا. تحلیل راهبردی جنگ رمضان
۲. منصوری، علی‌اکبر. سیاست خارجی مصر پس از جنگ یوم کیپور

انتخاب روز یوم کیپور که در آن ارتش رژیم صهیونیستی در وضعیت نیمه‌تعطیل بود، یک شاهکار تاکتیکی محسوب می‌شد. ارتش رژیم صهیونیستی که از نظر اطلاعاتی غافلگیر شده بود، نتوانست به‌سرعت واکنش نشان دهد و متحمل خسارات سنگینی شد.

تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، جنگ ۱۹۸۲ و تولد حزب الله

زمینه‌های تجاوز

لبنان از سال ۱۹۷۵ گرفتار جنگ داخلی خونباری بود. در این وضعیت بحرانی، حضور ساف به رهبری یاسر عرفات در جنوب لبنان و بیروت، رژیم صهیونیستی مدعی بود که ساف از لبنان حملات موشکی و چریکی علیه شهرک‌های شمالی این رژیم انجام می‌دهد.

رژیم صهیونیستی همچنین نگران اتحاد احتمالی میان فلسطینی‌ها، نیروهای چپ‌گرای لبنانی، و حامیان سوری و ایرانی در منطقه بود؛ بنابراین، یک عملیات نظامی گسترده طراحی شد با عنوان «صلح برای الجلیل».

تجاوز بزرگ: حمله از زمین، هوا و دریا

در ۶ ژوئن ۱۹۸۲، بیش از ۶۰ هزار نیروی رژیم صهیونیستی، با پشتیبانی سنگین زرهی و هوایی، از مرزهای جنوبی وارد لبنان شدند. این حمله گسترده ظرف چند روز ارتش ضعیف لبنان، شبه‌نظامیان فلسطینی و حتی نیروهای سوری مستقر در لبنان را عقب راند.

در کمتر از سه هفته، نیروهای رژیم صهیونیستی به **حومه جنوبی بیروت** رسیدند. محاصره بیروت آغاز شد و زیر آتش سنگین توپخانه و حملات هوایی، صدها غیرنظامی لبنانی و فلسطینی کشته شدند.

اشغال بیروت و خروج ساف

با وساطت سازمان ملل و تلاش دیپلماتیک آمریکا و فرانسه، در نهایت ساف مجبور شد مقر خود را از بیروت به **تونس** منتقل کند. رژیم صهیونیستی اعلام کرد که مأموریت خود را انجام داده است. اما در واقع، اشغال بیروت توسط رژیم صهیونیستی نه پایان مأموریت، بلکه آغاز بحرانی عمیق‌تر بود. رژیم صهیونیستی وارد منجلایی شد که خروج از آن سال‌ها طول کشید.

کشتار صبرا و شتیلا؛ لکه ننگ تاریخ رژیم صهیونیستی

در سپتامبر ۱۹۸۲، با چراغ سبز ارتش رژیم صهیونیستی، شبه‌نظامیان فالانژ لبنان وارد اردوگاه‌های **صبرا و شتیلا** شدند و طی دو شب، صدها تا هزاران زن، مرد و کودک فلسطینی را قتل‌عام کردند. آریل شارون، وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی، به دلیل این فاجعه

از سوی جامعه جهانی محکوم شد.

تولد حزب الله؛ مقاومت با رنگ مذهب

در میان آشوب‌ها، گروهی از جوانان شیعه لبنانی با الهام از انقلاب اسلامی ایران، و با حمایت فکری و مالی سپاه پاسداران، هسته اولیه **حزب الله** را در سال ۱۹۸۵ شکل دادند.

حزب الله با تلفیق ایدئولوژی مذهبی، سازماندهی نظامی چریکی، و حمایت اجتماعی از مردم جنوب، به سرعت جای خود را در دل مردم باز کرد و به کابوسی برای ارتش رژیم صهیونیستی تبدیل شد.

مقاومت در برابر اشغال؛ آغاز جنگ فرسایشی

طی دهه ۹۰ میلادی، حزب الله با عملیات‌های هوشمندانه، کمین‌های موفق، و استفاده از موشک‌های کاتیوشا، حملات مداوم و مؤثری به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان وارد کرد. تلفات انسانی و فشار افکار عمومی رژیم صهیونیستی را به فکر عقب‌نشینی انداخت.

در نهایت، در سال ۲۰۰۰، رژیم صهیونیستی پس از ۱۸ سال، بدون هیچ توافق رسمی، بدون تضمین امنیت، و بدون پیروزی، از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد.

این نخستین بار بود که رژیم صهیونیستی بدون قید و شرط و تحت فشار یک نیروی چریکی، شکست خورد و عقب نشست.

عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی، حزب الله را از یک گروه مقاومت به یک نیروی سیاسی و نظامی اصلی در لبنان تبدیل کرد. این گروه وارد پارلمان لبنان شد، قدرت رسانه‌ای پیدا کرد، و محبوبیت فرمانطقه‌ای در میان ملت‌های مسلمان یافت.

منابع:

۱. نجاتی، ابراهیم. حزب الله لبنان و روند مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی.
۲. هدایتی، مهدی. «تحلیل راهبردی جنگ ۱۹۸۲ و تأثیر آن بر امنیت رژیم صهیونیستی».

پیام قوی ایران به جنبش‌های مقاومت در لبنان، یمن، فلسطین و عراق روحیه تازه‌ای بخشید. این عملیات اثبات کرد که اراده مردم و قدرت ملی می‌تواند تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و جبهه مقاومت را در برابر فشارهای جهانی تقویت نماید.





جنگ‌های غزه

سه جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه و پیروزی اراده مقاومت

وقتی محاصره نمی تواند آتش مقاومت را خاموش کند...

در کمتر از یک دهه، نوار باریک و پرجمعیت غزه سه بار شاهد جنگ‌هایی ویرانگر بود؛ حملاتی که با حجم وسیع آتش و تکنولوژی نظامی انجام گرفت، اما هر بار با تکرار یک نتیجه پایان یافت: رژیم صهیونیستی موفق به شکستن مقاومت نشد.

جنگ‌های سال ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴، تنها در ظاهر متفاوت بودند، اما در جوهر خود، نمایانگر تقابل اراده‌ها بودند؛ جایی که بمب‌های هوشمند در برابر عزم مردم مقاوم قرار گرفتند.

نگاهی به غزه؛ جغرافیای مقاومت و محاصره

غزه با حدود دو میلیون جمعیت در کمتر از ۴۰۰ کیلومتر مربع، از سال ۲۰۰۷ با تسلط جنبش حماس، عملاً در یک محاصره همه‌جانبه زمینی، دریایی و هوایی قرار گرفت. این منطقه کوچک، به عنوان خط مقدم مقاومت فلسطینی، به یکی از پرچالش‌ترین نقاط درگیری خاورمیانه تبدیل شد.

با وجود محدودیت شدید منابع، فقر، بیکاری بالا و محاصره مرگبار، گروه‌های مقاومت از جمله حماس، سرايا القدس (جهاد اسلامی)، کتائب القسام و دیگران، زیرساختی قابل توجه از تونل‌ها، موشک‌ها، و

تاکتیک‌های جنگ شهری ایجاد کردند.

جنگ اول: عملیات سرب مذاب (۲۰۰۸-۲۰۰۹)

در دسامبر ۲۰۰۸، پس از افزایش حملات موشکی از غزه به شهرهای جنوبی رژیم صهیونیستی، رژیم صهیونیستی حمله‌ای بزرگ به غزه را آغاز کرد که ۲۲ روز به طول انجامید.

هدف رژیم صهیونیستی: نابودی زیرساخت‌های نظامی حماس و سرنگونی این جنبش



واقعیت میدان:

- بیش از ۱۴۰۰ فلسطینی شهید شدند، از جمله صدها کودک
- تنها ۱۳ نفر از رژیم صهیونیستی کشته شدند
- حملات هوایی رژیم صهیونیستی بیمارستان‌ها، مدارس و مساجد را ویران کرد
- اما حماس نه تنها نابود نشد، بلکه موشک‌هایش تا جنوب رژیم

جنگ ۲۰۰۶

• شلیک بیش از ۴۵۰۰ موشک از سوی مقاومت

از ویژگی‌های مهم این جنگ:

- رونمایی از پهپادهای انتحاری حماس
- استفاده از تونل‌های هجومی برای نفوذ به داخل رژیم صهیونیستی
- هشدارهای مکرر نصرالله در حمایت از غزه و وحدت محور مقاومت

نتیجه:

- باز هم آتش‌بس باشکست اهداف رژیم صهیونیستی
- تثبیت جایگاه حماس به عنوان یک نیروی نظامی رسمی
- افزایش محبوبیت مقاومت در جهان اسلام و تضعیف چهره

رژیم صهیونیستی

منابع:

۱. محمدی، رضا. غزه؛ آینه جنگ نابرابر.

۲. زارع‌نژاد، فریبا. «تحلیل جنگ‌های اخیر رژیم صهیونیستی و غزه». فصلنامه سیاست جهانی



صهیونیستی ادامه یافت و آتش‌بس بدون تحقق اهداف رژیم صهیونیستی برقرار شد.



جنگ دوم: عملیات ستون ابر (۲۰۱۲)

در نوامبر ۲۰۱۲، رژیم صهیونیستی با ترور احمد الجعبري، فرمانده شاخه نظامی حماس، جرقه جنگ دوم را زد. این جنگ، برخلاف اولی، بیشتر هوایی بود و کمتر وارد فاز زمینی شد.

ویژگی‌ها:

- ۸ روز درگیری شدید
- شلیک بیش از ۱۵۰۰ موشک مقاومت به تل‌آویو، بئر السبع و عسقلان
- استفاده مقاومت از موشک‌های فجر-۱۵ ایرانی ساخت
- ضربه حیثیتی به رژیم صهیونیستی با هدف‌گیری تل‌آویو

نتیجه:

- آتش‌بس با میانجیگری مصر
- اعلام پیروزی حماس به واسطه توان موشکی جدید و انصراف رژیم صهیونیستی از حمله زمینی



جنگ سوم: عملیات لبه حفاظتی (۲۰۱۴)

جنگ ۵۱ روزه سال ۲۰۱۴، طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ میان رژیم صهیونیستی و غزه بود. ارتش رژیم صهیونیستی این بار تلاش کرد با ترکیب حمله زمینی، بمباران هوایی و تخریب تونل‌های حماس، این جنبش را نابود کند.

نقاط مهم این جنگ:

- شهادت بیش از ۲۲۰۰ فلسطینی
- نابودی کامل محله‌های شجاعیه، بیت‌حانون، و بخشی از رفح
- کشته‌شدن ۷۳ نظامی رژیم صهیونیستی، بالاترین تلفات از



عملیات طوفان الاقصی؛ زلزله‌ای در امنیت رژیم صهیونیستی

داخل خاکشان بودند، بدون آنکه ارتش توان واکنش مؤثر داشته باشد.

شوک رسانه‌ای و روانی

تصاویر منتشرشده از مبارزان مقاومت در خیابان‌های شهرک‌های صهیونیستی، در حال درگیری یا انتقال اسرا، فضای روانی جامعه رژیم صهیونیستی و حتی غرب را به کلی دگرگون کرد.

رسانه‌های بین‌المللی، علی‌رغم گرایش به رژیم صهیونیستی، نتوانستند ابعاد تحقیرآمیز شکست رژیم صهیونیستی را پنهان کنند. تحلیلگران نظامی در CNN، BBC و NYT همگی اذعان کردند: «رژیم صهیونیستی غافلگیر شد. نه تنها ارتش، بلکه موساد، شاباک و کل ساختار امنیتی‌اش.»

ابعاد منطقه‌ای و محور مقاومت

طوفان الاقصی به شکل بی‌سابقه‌ای باعث هم‌راستایی محور مقاومت شد:

- حزب‌الله لبنان حملات مکرر به شمال رژیم صهیونیستی را آغاز کرد
- جبهه‌های یمن (انصارالله) و عراق (کتاب) علیه منافع صهیونیست‌ها و آمریکا فعال شدند
- در کرانه باختری، عملیات‌های فردی و گروهی به شدت افزایش یافت
- ایران، سوریه، یمن و مقاومت عراق به صورت غیرمستقیم در پشتیبانی اطلاعاتی، سایبری و رسانه‌ای نقش ایفا کردند

منابع:

۱. باقری، علی. تحلیل عملیات طوفان الاقصی.

۲. مصاحبه با سردار قاتانی، منتشرشده در خبرگزاری تسنیم، آذر ۱۴۰۲

رسانه‌های بین‌المللی، علی‌رغم گرایش به رژیم صهیونیستی، نتوانستند ابعاد تحقیرآمیز شکست رژیم صهیونیستی را پنهان کنند. تحلیلگران نظامی در CNN، BBC و NYT همگی اذعان کردند: «رژیم صهیونیستی غافلگیر شد. نه تنها ارتش، بلکه موساد، شاباک و کل ساختار امنیتی‌اش.»

صبح روز شنبه، ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲)، جهان با صحنه‌هایی حیرت‌انگیز از رخنه نیروهای مقاومت فلسطینی به درون اراضی اشغالی بیدار شد. در کمتر از چند ساعت، واحدهای عملیاتی از گردان‌های القسام (شاخه نظامی حماس) موفق شدند از طریق زمین، هوا (با گلاiderهای موتوری) و دریا، وارد شهرک‌های صهیونیستی در اطراف غزه شوند.

این عملیات با نام «طوفان الاقصی»، از نظر حجم، هماهنگی، غافلگیری و نتایج اولیه، بی‌سابقه‌ترین حمله در تاریخ تقابل فلسطین و رژیم صهیونیستی بود.

آغاز طوفان؛ رخنه از درون محاصره

عملیات با شلیک بیش از ۵ هزار موشک ظرف ۲۰ دقیقه آغاز شد. این بمباران ناگهانی، سامانه‌های پدافندی گنبد آهنین را به کلی اشباع کرد. هم‌زمان، صدها رزمنده مقاومت با بولدوزرهای تقویت‌شده دیوار امنیتی مرزی را شکافتند و وارد خاک رژیم صهیونیستی شدند.

ویژگی‌های تاکتیکی عملیات:

- استفاده از گلاiderهای سبک برای فرود مستقیم در پایگاه‌های نظامی
- نفوذ از طریق تونل‌های زیرزمینی و مسیرهای دریایی
- عملیات دقیق باهدف تسخیر پایگاه‌های نظامی و مراکز امنیتی
- اسارت بیش از ۲۰۰ صهیونیست، شامل نظامیان، شهرک‌نشینان و اتباع خارجی

فروپاشی نماد امنیت رژیم صهیونیستی

از مهم‌ترین نتایج عملیات، شکسته‌شدن تصویر امنیت نفوذناپذیر رژیم صهیونیستی بود. در مدت کوتاهی:

- پایگاه‌های مهم ارتش رژیم صهیونیستی، از جمله پایگاه عین هشلوشاه، نازل عوز و کیوتص بری سقوط کرد
- نیروهای ویژه ارتش غافلگیر شده و ده‌ها کشته و زخمی دادند
- سامانه‌های دیده‌بانی، دوربین‌ها، و برجک‌های مرزی کاملاً از کار افتاد

رژیم صهیونیستی برای اولین بار شاهد نفوذ عمیق و آزادانه دشمن به



کالبدشکافی ساختار امنیتی اسرائیل

حضور در جنگ، بحران بی سابقه اعتماد به ارتش در نظر سنجی های داخلی، اعتراض خانواده های نظامیان در برابر کنست برای توقف جنگ

اطلاعات ناقص؛ شکست استخبارات

با وجود ادعای برتری اطلاعاتی موساد و شاباک، عملیات طوفان الاقصی بدون کوچک ترین ردیابی یا هشدار انجام شد. ساده ترین خطوط ارتباطی مقاومت هم توسط رژیم صهیونیستی کشف نشد.

همچنین، در طول جنگ:

ارزیابی های میدانی موساد از توان مقاومت اشتباه بود، تلاش برای حذف فرماندهان مقاومت اغلب به شکست انجامید، شبکه جاسوسی رژیم صهیونیستی در غزه و کرانه باختری دچار فروپاشی اطلاعاتی شد

بحران داخلی در ساختار سیاسی - نظامی

هم زمان با جنگ، اختلافات شدید سیاسی در داخل رژیم صهیونیستی از جمله بین بنیامین نتانیا هو، ارتش، و دادگاه ها شدت گرفت.

انتقاد گسترده ژنرال های سابق از راهبرد دولت، درخواست دادگاه عالی برای بررسی شکست های امنیتی، اعتراضات سراسری در تل آویو و حیفا برای استعفای نتانیا هو، تردید نخبگان صهیونیستی درباره آینده نظام سیاسی و امنیتی رژیم

جنگ چندجبهه ای و فرسایشی، ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی را در معرض فروپاشی روانی، نظامی و سیاسی قرار داده است. ارتشی که با ادعای «برتری مطلق» وارد میدان شد، اکنون به تداوم حضور در خاک دشمن هم ناتوان است.

منابع:

۱. فصلنامه سوره - ویژه نامه «ارتش و روان شناسی شکست»،

شماره ۹۸

۲. گفتگو با دکتر سعد الله زارعی در برنامه «بدون توقف»، شبکه

افق، ۱۴۰۳

شکاف های پنهان در ارتش رژیم صهیونیستی؛ ارتشی ناتوان در جنگ فرسایشی

رژیم صهیونیستی همواره تلاش داشته است تا خود را یک قدرت نظامی شکست ناپذیر در خاورمیانه معرفی کند؛ با ارتشی مدرن، مجهز به فناوری غربی، نیروی هوایی برتر، و دستگاه های اطلاعاتی پیچیده. اما عملیات طوفان الاقصی و تحولات پس از آن، چهره ای کاملاً متفاوت از این ارتش نشان داد: ارتشی که دچار ناهماهنگی درونی، فرسایش روانی، بحران نیروی انسانی و ضعف درک میدان شده است.

بحران ساختاری در ارتش رژیم صهیونیستی

نیروی نظامی رژیم صهیونیستی شامل سه بخش اصلی است: ارتش زمینی (IDF)، نیروی هوایی، و نیروی دریایی. اما ضعف های زیرساختی در این ساختار سال ها است که زیر لایه ظاهری قدرت نظامی پنهان مانده بود:

- تمرکز بیش از حد بر نیروی هوایی و پهپادها، با غفلت از توان زمینی در نبردهای شهری
- وابستگی سنگین به اطلاعات موساد و شاباک برای عملیات های میدانی
- ناکارآمدی سامانه های دفاعی مانند گنبد آهنین در برابر حملات پرحجم و ارزان قیمت مقاومت
- سربازان غیرحرفه ای که با زور خدمت اجباری وارد ارتش شده اند و فاقد انگیزه و آموزش کافی اند

روان شناسی نظامی شکست خورده

جامعه رژیم صهیونیستی به شدت وابسته به احساس امنیت روانی است. نفوذ مبارزان فلسطینی در ۱۷ اکتبر و حمل اسرا به غزه، شوک عمیقی به جامعه نظامی و شهروندی رژیم صهیونیستی وارد کرد.

آثار روانی:

افزایش خودکشی در میان سربازان ارتش، فرار صدها نیروی ذخیره از



جبهه رسانه‌ای مقاومت

خبرنگاران محلی، بهره‌گیری از پلتفرم‌هایی چون تلگرام، توئیتر (اکس)، اینستاگرام و تیک‌تاک صدای خود را به گوش جهان برساند.

سرکوب صدای حقیقت در رسانه‌های غربی

خبرنگاران مستقل و روزنامه‌نگاران منتقد به رفتار رژیم صهیونیستی در غرب با سرکوب، اخراج یا بایکوت مواجه شدند. خبرنگار الجزیره در آمریکا به اتهام حمایت از تروریسم بازداشت شد، کارکنان BBC که حامی فلسطین بودند، با تهدید به اخراج روبرو شدند، سانسور گسترده پست‌های حمایتی از غزه در اینستاگرام و فیس‌بوک توسط متا، تحت فشار دولت‌ها

موج جهانی اعتراضات مردمی علیه روایت رسمی

در پی آگاهی از جنایات رژیم صهیونیستی:

- دانشگاه‌های مطرح آمریکا مانند هاروارد، کلمبیا و برکلی، صحنه تظاهرات دانشجویی در حمایت از فلسطین شدند
- هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌های مشهور جهانی، با انتشار پست‌های حمایتی، روایت غربی را زیر سؤال بردند
- کمپین‌های تحریم رژیم صهیونیستی در اروپا و آمریکای لاتین به اوج رسیدند

نتیجه: رسانه‌های غربی مجبور شدند بخشی از واقعیت‌ها را - هرچند ناقص - در گزارش‌های خود بگنجانند.

منابع:

۱. پایگاه خبری ترجمان - «رسانه‌های غربی و روایت‌های بحران»، ویژه‌نامه جنگ غزه
۲. مرکز مطالعات جهانی انقلاب اسلامی - «سواد رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها»، ۱۴۰۳

جنبش مقاومت باوجود نداشتن رسانه رسمی جهانی، توانست با ابزارهای ارزان اما تأثیرگذار صدای خود را به گوش جهان برساند.

جنگ روایت‌ها؛ میدان نبرد دوم در غزه

با آغاز جنگ غزه در مهر ۱۴۰۲، بلافاصله یک نبرد موازی در سطح رسانه‌های جهانی شکل گرفت؛ نبردی که نه با تانک و موشک، بلکه با تیترو، تصویر، تحلیل و هشتگ انجام می‌شد.

رسانه‌های بزرگ غربی، از BBC و CNN تا نیویورک تایمز و گاردین، جنگ را نه آن‌طور که رخ می‌داد، بلکه آن‌گونه که مطلوب سیاست غرب بود، روایت کردند.

در برابر این جبهه رسانه‌ای بزرگ، جنبش مقاومت فلسطین و حامیانش نیز خط رسانه‌ای مستقلی از شبکه‌هایی چون المیادین، الجزیره، پرس تی‌وی، و رسانه‌های مستقل در فضای مجازی به راه انداختند.

سانسور سازمان یافته جنایات

از روزهای نخست جنگ، تصاویر کشتار کودکان و غیرنظامیان در اردوگاه‌های غزه، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. اما رسانه‌های رسمی غرب از به کار بردن کلمه «کشتار» پرهیز کردند و از اصطلاحاتی چون «درگیری»، «تلفات جانبی» و «درگیری پیچیده» استفاده نمودند، بسیاری از تصاویر را سانسور یا به تأخیر منتشر کردند، تمرکز را بر حملات حماس به رژیم صهیونیستی‌ها در ۱۷ اکتبر نگاه داشتند، نه جنایات روزانه در غزه

روایت‌سازی احساسی برای رژیم صهیونیستی

رسانه‌های غربی برای تحریک احساسات عمومی مرتباً تصاویر بازماندگان حملات ۱۷ اکتبر را پخش کردند، درباره گروگان‌های رژیم صهیونیستی ی مستند ساختند و احساس ترحم ایجاد نمودند، از روایت دردناک سربازان رژیم صهیونیستی ی و خانواده‌های آنان برای توجیه ادامه جنگ بهره گرفتند

در حالی که رنج مردم غزه، زیر آوار، بدون دارو، آب و غذا، تنها در رسانه‌های مستقل بازتاب می‌یافت.

قدرت رسانه‌های مقاومت و فضای مجازی

جنبش مقاومت باوجود نداشتن رسانه رسمی جهانی، توانست با ابزارهای ارزان اما تأثیرگذار تولید مستندات میدانی از نبردها، انتشار تصاویر و کلیپ‌های تأثیرگذار از قربانیان، استفاده از



واکنش امت اسلامی

ایران؛ محور دیپلماسی مقاومت

جمهوری اسلامی ایران با موضعی روشن و قاطع با ارسال پیام‌های همبستگی به گروه‌های مقاومت، برگزاری نشست‌های اضطراری سازمان همکاری اسلامی با محوریت غزه، حمایت از احزاب مقاومت منطقه در لبنان، سوریه، یمن و عراق، آغاز عملیات رسانه‌ای و سیاسی گسترده برای حمایت از فلسطین به عنوان «النگر گاه مقاومت در منطقه» شناخته شد و الهام بخش بسیاری از جریان‌های ضد صهیونیستی شد.

واکنش کشورهای مسلمان غیر عرب

در شرق آسیا و آفریقا نیز کشورهای مسلمان واکنش‌هایی جدی نشان دادند در مالزی و اندونزی، دولت و ملت به طور هماهنگ در حمایت از مردم غزه موضع گرفتند، دولت ترکیه علی‌رغم روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، به شدت از جنایات آن انتقاد کرد و تماس‌ها را کاهش داد، در سنگال، نیجریه، سومالی و تونس تظاهرات ضد رژیم صهیونیستی برگزار شد.

این گستره واکنش‌ها نشان داد که مسئله فلسطین، همچنان مسئله محوری امت اسلامی است.

اتحاد علمای اسلامی؛ صدای مشترک عدالت

اتحادیه جهانی علمای مسلمان، مجمع تقریب، الأزهر، مراجع نجف و قم، و صدها نهاد دینی رژیم صهیونیستی را به جنایت علیه بشریت متهم کردند، خواهان جهاد رسانه‌ای، اقتصادی و سیاسی در حمایت از فلسطین شدند، فتوای تحریم کالاهای صهیونیستی صادر کردند، همبستگی با محور مقاومت را امری شرعی دانستند.

منابع:

۱. مرکز مطالعات غرب آسیا - ویژه‌نامه «واکنش جهان عرب به جنگ غزه»، ۱۴۰۳
۲. نشست تخصصی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - «فلسطین، نقطه پیوند امت اسلامی»، خرداد ۱۴۰۳

اتحادیه جهانی علمای مسلمان، مجمع تقریب، الأزهر، مراجع نجف و قم، و صدها نهاد دینی رژیم صهیونیستی را به جنایت علیه بشریت متهم کردند، خواهان جهاد رسانه‌ای، اقتصادی و سیاسی در حمایت از فلسطین شدند

از خیابان‌های قاهره تا بیانیه‌های رسمی: جهان اسلام در برابر جنایات صهیونیست‌ها

با آغاز حملات بی‌سابقه رژیم صهیونیستی به نوار غزه در مهر ۱۴۰۲، موج گسترده‌ای از اعتراضات مردمی، بیانیه‌های سیاسی، تحرکات دیپلماتیک و حتی تهدیدات نظامی در سراسر جهان اسلام به راه افتاد.

این بار، واکنش‌ها از جنس دیپلماسی سرد گذشته نبود؛ بلکه خشم عمومی و خیزش نخبگان و مردم، چهره‌ای تازه به جبهه مقاومت اسلامی بخشید.

جهان عرب؛ سکوت دولت‌ها، فریاد ملت‌ها

اگرچه اغلب دولت‌های عربی، به‌ویژه آن‌هایی که در مسیر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی گام برداشته بودند، در آغاز جنگ سکوت اختیار کردند، اما ملت‌های عرب در خیابان‌ها خشم خود را فریاد زدند:

- در اردن، مردم مقابل سفارت رژیم صهیونیستی تجمع کردند و شعار «الموت لاسرائیل» سر دادند
- قاهره، رباط، و بغداد صحنه تظاهرات میلیونی ضد اسرائیلی شد
- فعالان عربی با استفاده از فضای مجازی، روایت مقاومت را به ترند جهانی بدل کردند

فاصله میان خواست مردم و سیاست رسمی دولت‌ها در این کشورها بیش از هر زمان نمایان شد.

خلیج فارس؛ بحران مشروعیت برای متحدان رژیم صهیونیستی

برخی دولت‌های حاشیه خلیج فارس که در سال‌های اخیر روابطی پنهان یا آشکار با رژیم صهیونیستی برقرار کرده بودند (نظیر امارات، بحرین و عربستان سعودی)، با فشار شدید افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای مواجه شدند:

- در عربستان، هشتک -التطیع خیانه- (عادی‌سازی خیانت است) میلیون‌ها بار باز نشر شد
 - علمای بحرینی و کویتی با صدور بیانیه‌های شدیداللحن، خواهان قطع روابط با رژیم صهیونیستی شدند
 - رسانه‌های رسمی این کشورها برای مدتی از پوشش اخبار غزه خودداری کردند تا از شدت اعتراضات بکاهند
- این تحولات، پروژه «ناتوی عربی» علیه ایران و محور مقاومت را با شکست روبه‌رو ساخت.

جبهه بزرگ مقاومت

از جنوب لبنان تا صناعا؛ محاصره راهبردی رژیم صهیونیستی

یکی از ویژگی‌های برجسته جنگ غزه در مهر ۱۴۰۲، نه فقط توانمندی بی‌سابقه گروه‌های مقاومت در داخل فلسطین، بلکه همبستگی و تحرک گروه‌های مقاومت منطقه‌ای در کشورهای مختلف بود؛ مجموعه‌ای از بازیگران غیردولتی که امروزه به ستون‌های اصلی محور مقاومت بدل شده‌اند.

از لبنان و سوریه گرفته تا عراق، یمن و حتی بخش‌هایی از شمال آفریقا، رژیم صهیونیستی با تهدیداتی واقعی و چند جبهه‌ای روبرو شد که تاکنون مشابه نداشت.

حزب الله لبنان؛ جبهه شمالی فعال

بلافاصله پس از آغاز جنگ حزب الله لبنان با عملیات‌های موشکی و پهپادی، جبهه شمالی را علیه رژیم صهیونیستی گشود، صدها حمله به مواضع نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه الجلیل انجام شد، ارتش رژیم صهیونیستی ناچار به تخلیه ده‌ها شهرک مرزی شد و هزاران شهرکنشین فرار کردند، پهپادهای شناسایی و هجومی حزب الله عمق سرزمین‌های اشغالی را رصد کردند.

انصارالله یمن؛ حمله به عمق راهبردی

جنبش انصارالله با هدف قرار دادن کشتی‌های رژیم صهیونیستی و مرتبط با آن در دریای سرخ، تهدید مستقیم بنادر حیف و ایلات، حمایت موشکی و پهپادی از فلسطینی‌ها جبهه‌ای جدید گشود که موجب اختلال در حمل و نقل دریایی رژیم صهیونیستی شد.

حشد شعبی و مقاومت عراق؛ پیام تهدید به آمریکا و

رژیم صهیونیستی

گروه‌های مقاومت عراق، شامل کتائب حزب الله، عصاب اهل الحق و نُجباء پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و سوریه را هدف حملات موشکی قرار دادند، اعلام کردند هرگونه تداوم حمله به غزه با واکنش متقابل مواجه خواهد شد، کانال‌های حمایتی لجستیکی و اطلاعاتی به مقاومت فلسطین فعال کردند.

جبهه سوریه؛ از خاکستر جنگ داخلی تا کردور مقاومت

با وجود آسیب‌های ناشی از جنگ داخلی، جبهه سوریه در مرزهای جولان به‌طور موقت فعال شد، ارتش سوریه و نیروهای مقاومت منطقه‌ای مستقر در سوریه، با تهدید رژیم صهیونیستی به مقابله پرداختند، پایگاه‌های رژیم صهیونیستی در بلندی‌های اشغالی هدف اصابت‌های دقیق قرار گرفتند. سوریه همچنان پل استراتژیک تهران-بیروت-غزه محسوب می‌شود.

ساختمان جدید مقاومت؛ از گروه‌های پراکنده تا جبهه واحد

آنچه در جنگ غزه مشهود بود هماهنگی عملیاتی بالابین نیروهای مقاومت منطقه‌ای، اشتراک گذاری اطلاعات، تسلیحات و



تاکتیک‌ها، پیام‌های هماهنگ سیاسی و بیانیه‌های متحد، وحدت در زمان‌بندی حملات به رژیم صهیونیستی و متحدانش

پیامد راهبردی: رژیم صهیونیستی محاصره شده است

برای اولین بار در تاریخ منازعه اعراب-رژیم صهیونیستی:

- رژیم صهیونیستی به طور هم‌زمان از شمال (لبنان)، جنوب (غزه و یمن)، شرق (عراق و سوریه) و دریا (دریای سرخ) در معرض تهدید قرار گرفت
- امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، به‌ویژه شهرهای جنوبی و شمالی، مختل شد
- حملات چند جبهه‌ای به طور مستمر روحیه ارتش و ساکنان رژیم صهیونیستی را تضعیف کرد
- رژیم صهیونیستی از قدرت بازدارندگی به موقعیت تدافعی و پراکنده سقوط کرد.

منابع:

۱. فصلنامه مطالعات جهان اسلام - «ساختار نوین جبهه مقاومت»، شماره زمستان ۱۴۰۲
۲. مجله رمز عبور - شماره ۴۹: «لبنان، یمن، عراق؛ جبهه‌های فعال مقاومت»

آنچه در جنگ غزه مشهود بود هماهنگی عملیاتی بالابین نیروهای مقاومت منطقه‌ای، اشتراک گذاری اطلاعات، تسلیحات و تاکتیک‌ها، پیام‌های هماهنگ سیاسی و بیانیه‌های متحد، وحدت در زمان‌بندی حملات به رژیم صهیونیستی و متحدانش



ارتشی که دیگر نمی‌ترساند

در ادامه، ارتش رژیم صهیونیستی به حمله زمینی محدود و مرحله‌ای روی آورد:

مناطق حاشیه‌ای غزه اشغال شد، اما نتوانستند وارد عمق مقاومت شوند، تونل‌های زیرزمینی مقاومت به دام مرگ نظامیان صهیونیست تبدیل شد، نیروهای رژیم صهیونیستی به جای نبرد مستقیم، ناچار به تخریب کور و جنایت علیه غیرنظامیان شدند. عملیات زمینی ارتش، بیش از آنکه موفقیت نظامی باشد، نمایشی از ناتوانی آن در «مدیریت جنگ شهری» بود.

تجهیزات پیشرفته؛ بی‌اثر در برابر ایمان و چریکی‌گری

رژیم صهیونیستی با استفاده از پهپادهای انتحاری و تجسسی، بمب‌های هوشمند، گنبد آهنین و سامانه‌های لیزری نتوانست در برابر تاکتیک‌های پارتیزانی، جنگ تونلی و روحیه شهادت‌طلبانه مقاومت، برتری قابل توجهی نشان دهد.

بحران در رأس فرماندهی ارتش و دولت

شکاف جدی میان ارتش و دولت نتانیاو، فرماندهان عملیاتی و سیاست‌مداران، ارتش با افکار عمومی یهودی و رسانه‌های رژیم باعث تضعیف مدیریت جنگ شد. برخی فرماندهان ارتش تلویحاً مسئولیت فاجعه اطلاعاتی را متوجه دولت کردند.

- منابع:
۱. پرونده ویژه پایگاه بصیرت - «شکست نظامی رژیم صهیونیستی در غزه»، آبان ۱۴۰۲
 ۲. تحلیل‌های راهبردی اندیشکده ابرار معاصر - «ارزیابی آسیب‌های ارتش صهیونیستی»

شکاف جدی میان ارتش و دولت نتانیاو، فرماندهان عملیاتی و سیاست‌مداران، ارتش با افکار عمومی یهودی و رسانه‌های رژیم باعث تضعیف مدیریت جنگ شد. برخی فرماندهان ارتش تلویحاً مسئولیت فاجعه اطلاعاتی را متوجه دولت کردند.

سقوط یک هیمنه نظامی در مقابل مقاومت مردمی

در حافظه سیاسی و رسانه‌ای خاورمیانه، ارتش رژیم صهیونیستی (IDF) همواره با تصویری از قدرت بازدارندگی، تکنولوژی پیشرفته، اطلاعات دقیق و قابلیت واکنش سریع همراه بود. اما با آغاز عملیات «طوفان الاقصی» در مهر ۱۴۰۲، این افسانه به سرعت رنگ باخت.

شکست اطلاعاتی بزرگ: فاجعه‌ای از درون

مهم‌ترین نقطه ضعف ارتش رژیم صهیونیستی در این جنگ، شکست کامل اطلاعاتی-امنیتی بود:

- دستگاه اطلاعاتی «شاباک» و ارتش هیچ نشانه‌ای از عملیات قریبالوقوع حماس دریافت نکرده بودند
- گنبد آهنین در برابر حجم آتش سنگین موشکی از کار افتاد یا ناکارآمد ظاهر شد
- برخلاف ادعاهای پیشین، رژیم صهیونیستی حتی در رصد تونل‌ها و خطوط نفوذ دشمن ناکام بود

هراس در میدان نبرد: فرار، خودزنی، تسلیم

عملکرد نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی در مناطق جنوبی (مانند نازل عوز، کیبوتص بئری و سدروت): برخی سربازان فرار کردند یا تسلیم نیروهای حماس شدند، گزارش‌هایی از خودکشی و شوک روانی در میان نظامیان منتشر شد، ده‌ها واحد ارتش بدون مقاومت، تجهیزات و پایگاه‌ها را رها کردند. فیلم‌های منتشر شده از نیروهای مقاومت در خاک رژیم صهیونیستی، چهره واقعی ضعف ارتش را به نمایش گذاشت.

بحران سربازگیری و روحیه

در هفته‌های بعد از آغاز جنگ هزاران نظامی ذخیره، از پیوستن به ارتش خودداری کردند، اعتراض خانواده‌ها و کمپین «نه به مرگ برای نتانیاو» در سراسر رژیم صهیونیستی راه افتاد، روحیه ارتش با تلفات بالا و جنگ طولانی مدت دچار افت شدیدی شد.

حملات زمینی به غزه؛ بن‌بست در تونل‌ها



نبرد رسانه‌ها

کامل مدفون شده در زیر آوار، تصاویر تکان‌دهنده از نوار غزه در محاصره کامل این محتواها افکار عمومی جهانی را علیه رژیم صهیونیستی تحریک کرد و در برهه‌هایی، حتی دولت‌های غربی را برای توقف موقت حملات تحت فشار قرارداد.

دیپلماسی رسانه‌ای مقاومت؛ پیروزی با کلمات

سخن‌گویان گروه‌های مقاومت مانند: ابو عیبه (القسام)، موسی ابومرزوق (حماس)، عبدالملک الحوثی (انصارالله) از رسانه‌ها برای ارسال پیام‌های سیاسی، روانی و نظامی استفاده کردند.

سانسور و بایکوت؛ دست پنهان رسانه‌های غربی

با وجود جنایات آشکار رژیم صهیونیستی: بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی از پوشش مستقیم حملات به غیرنظامیان غزه خودداری کردند، شبکه‌های اجتماعی محتوای ضد رژیم صهیونیستی را حذف یا محدود کردند، خبرنگاران مستقل هدف قرار گرفتند یا بایکوت شدند. بیش از ۱۰۰ خبرنگار فلسطینی طی جنگ کشته شدند؛ آماری بی‌سابقه در تاریخ رسانه‌های جنگی.

رسانه‌های جهان اسلام؛ صدای مظلوم یا بلندگوی رسمی؟

در جهان اسلام نیز عملکرد رسانه‌ها متفاوت بود:

- ایران، لبنان، عراق و یمن، با رسانه‌هایی چون العالم، المنار، المیادین، الاتجاه، روایت مقاومت را پررنگ کردند
- در برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، رسانه‌ها در ابتدا با احتیاط عمل کردند
- شبکه الجزیره (قطر) با پوشش بی‌طرف و مستمر از میدان غزه، اعتماد جهانیان را جلب کرد

منابع:

۱. مرکز مطالعات فلسطین - تحلیل «قدرت نرم مقاومت در فضای مجازی»
۲. پایگاه خبری نورنیوز - مقاله «جنگ رسانه‌ای رژیم صهیونیستی و رسوایی دروغ‌ها»

صدها خبرنگار و فعال رسانه‌ای در غزه، با وجود خطر مرگ، تصاویر و ویدئوهای جنایات رژیم صهیونیستی را ثبت کردند.

روایت‌ها مهم‌تر از گلوله‌ها؛ جنگی در ذهن‌ها و قاب‌ها

در جنگ‌های مدرن، میدان نبرد تنها در خاک و آسمان نیست؛ بلکه در قاب دوربین، خط خبر، و شبکه‌های اجتماعی نیز جریان دارد. جنگ ۲۰۲۳ غزه، بیش از هر زمان دیگری، اهمیت جنگ روایت‌ها (Narrative Warfare) را آشکار کرد.

رسانه‌ها، این بار نه فقط بازتاب‌دهنده جنگ، بلکه «شرکت‌کننده فعال» در آن بودند.

روایت رژیم صهیونیستی: قربانی‌سازی در سطح جهانی
رژیم صهیونیستی با استفاده از شبکه‌های تلویزیونی جهانی مانند: CNN، BBC، Fox News، France24 تلاش کرد خود را قربانی حملات «تروریستی» حماس معرفی کند. ادعای قتل عام غیرنظامیان در جشن موسیقی، تجاوز به زنان، سربردن نوزادان و... به سرعت منتشر شد.

اما: بسیاری از این اخبار فاقد مدرک یا متکی بر منابع امنیتی رژیم صهیونیستی بودند، پس از چند روز، برخی رسانه‌ها این اخبار را اصلاح یا حذف کردند، افکار عمومی جهانی به صحت این روایت‌ها شک کرد

پروژه «قربانی‌سازی» به دلیل حجم بالای جنایات رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان فلسطینی، با شکست نسبی مواجه شد.

روایت مقاومت: دوربین در خط مقدم

برای نخستین بار:

- گردان‌های القسام و دیگر گروه‌های مقاومت، با انتشار فیلم‌های عملیات‌های موفق، روایت قدرت خود را جهانی کردند
- مستندات دقیق از ورود به پایگاه‌های نظامی، تسلیم سربازان، و نفوذ به شهرک‌ها منتشر شد
- این محتواها میلیون‌ها بار در شبکه‌های اجتماعی دیده شدند و تصویر قهرمانانه‌ای از مقاومت ساختند

جنایات رژیم صهیونیستی؛ دوربین‌هایی که نگذاشتند فراموش شود

صدها خبرنگار و فعال رسانه‌ای در غزه، با وجود خطر مرگ، تصاویر و ویدئوهای جنایات رژیم صهیونیستی را ثبت کردند؛ حمله به بیمارستان‌ها، مدارس و اردوگاه‌ها، اجساد کودکان و خانواده‌های



پیامدهای راهبردی جنگ غزه؛ آغاز تغییر نظم خاورمیانه؟

توقف یا تزلزل پروژهای عادی سازی روابط

پیش از جنگ، دولت‌های عربی چون عربستان، بحرین، امارات و مراکش در مسیر عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی حرکت می کردند.

اما جنگ: افکار عمومی جهان عرب را علیه این روند تحریک کرد، دولت‌ها را به مواضع تدافعی و عقب نشینی از اظهارات قبلی کشاند، آینده توافقی‌های آبراهام را در هاله‌ای از ابهام فروبرد

باز تعریف مفهوم «مقاومت» در معادلات بین المللی

نبرد ۲۰۲۳ نشان داد یک نیروی چریکی غیردولتی می تواند بزرگ ترین ارتش منطقه را به چالش بکشد، قدرت نرم، ایمان، دانش بومی و اراده سیاسی، با سلاح پیشرفته برابری می کند، سازمان‌های مقاومت می توانند کنشگر ژئوپلیتیک مؤثر باشند، نه صرفاً بازیگران حاشیه‌ای. این مفهوم جدید، نظم پساجنگی خاورمیانه را بازنویسی خواهد کرد.

افزایش خطر جنگ‌های چند جبهه‌ای در آینده

رژیم صهیونیستی امروز خود را با این تهدید مواجه می بیند که:

- در جنگ بعدی، جبهه‌های شمالی (حزب الله)، جنوبی (غزه)، غربی (یمن) و شرقی (عراق، سوریه) هم زمان فعال شوند
- جنگ‌های آینده از ماهیت محلی خارج و به جنگ منطقه‌ای تبدیل شوند
- آمریکا و غرب به دلیل هزینه‌های سیاسی، دیگر قادر به حمایت نامحدود نباشند

منابع:

۱. فصلنامه مطالعات امنیت ملی - ویژه نامه «پیامدهای راهبردی جنگ غزه»

۲. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری - پرونده «رژیم صهیونیستی پس از بحران»

نبرد ۲۰۲۳ نشان داد یک نیروی چریکی غیردولتی می تواند بزرگ ترین ارتش منطقه را به چالش بکشد، قدرت نرم، ایمان، دانش بومی و اراده سیاسی، با سلاح پیشرفته برابری می کند، سازمان‌های مقاومت می توانند کنشگر ژئوپلیتیک مؤثر باشند

جنگ ۲۰۲۳ غزه را نمی توان صرفاً یک تقابل نظامی کوتاه مدت دانست. آنچه روی داد، نقطه عطفی ژئوپلیتیکی بود که بسیاری از معادلات قدیمی منطقه را به هم ریخت و آینده‌ای متفاوت برای رژیم صهیونیستی، فلسطین، و جهان عرب ترسیم کرد.

این جنگ، اعتماد به شکست ناپذیری رژیم صهیونیستی را در هم شکست و پرده از ضعف‌های ساختاری‌اش برداشت.

تضعیف شدید بازدارندگی رژیم صهیونیستی

برای نخستین بار: رژیم صهیونیستی از سوی گروهی غیردولتی (حماس) در خاک خود مورد هجوم گسترده قرار گرفت، دیوارهای امنیتی، سامانه‌های اطلاعاتی و توان نظامی ارتش در هم شکست، شهروندان رژیم صهیونیستی، دیگر احساس امنیت نداشتند

بحران مشروعیت سیاسی داخلی در تل آویو

پس از جنگ: ده‌ها هزار نفر در تل آویو، حیفا و بیت المقدس علیه دولت نتانیاهو تظاهرات کردند، درخواست‌های گسترده برای استعفای نخست وزیر، وزیر جنگ و رئیس موساد مطرح شد، شکاف عمیق بین ارتش، دستگاه‌های امنیتی و جناح‌های سیاسی بالا گرفت

افول قدرت نرم رژیم صهیونیستی در افکار عمومی جهانی

با نمایش‌های زنده از کشتار کودکان، تخریب بیمارستان‌ها و محاصره انسانی در غزه:

- تصویر پیشین رژیم صهیونیستی به عنوان «قربانی همیشگی» در اذهان جهانیان خدشه دار شد
- جنبش‌های مردمی و دانشجویی در اروپا و آمریکا علیه رژیم صهیونیستی شکل گرفت
- رسانه‌ها، هنرمندان، و حتی برخی سیاستمداران غربی به انتقاد از تل آویو پرداختند

تقویت جبهه مقاومت و اتحاد منطقه‌ای

جنگ غزه موجب: تحکیم پیوند بین مقاومت فلسطینی با محورهای لبنان، یمن، عراق و سوریه شد، مشروعیت مردمی گروه‌های مقاومت در جهان اسلام افزایش یافت، ایران به عنوان حامی اصلی این محور، وزن استراتژیک بیشتری در منطقه کسب کرد



جامعه جهانی در برابر جنایت؛ سکوت، همراهی یا مقاومت؟

جمهوری اسلامی ایران: با بیانیه‌های قاطع، حمله رژیم صهیونیستی را «جنایت جنگی» خواند، کمک‌های بشردوستانه و پشتیبانی سیاسی به گروه‌های مقاومت ارائه کرد، در مجامع بین‌المللی خواستار تعقیب جنایت کاران جنگی شد

تهران، این بحران را فرصتی برای تقویت محور مقاومت و تضعیف رژیم صهیونیستی در سطح منطقه‌ای و جهانی دانست.

نهاد‌های حقوق بشری؛ گزارش، هشدار، ولی بی‌دندان

سازمان‌های مانند: عفو بین‌الملل، دیدبان حقوق بشر، صلیب سرخ جهانی، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل با صدور بیانیه‌های متعدد، درباره: حملات به غیرنظامیان، نابودی زیرساخت‌های پزشکی، استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی هشدار دادند.

اما: این بیانیه‌ها تأثیر عملی در توقف جنگ نداشتند، رژیم صهیونیستی از ورود نهاد‌های مستقل به غزه جلوگیری کرد، هیچ مسئولیتی بر عهده جنایت کاران گذاشته نشد

دانشگاه‌ها، ملت‌ها و هنرمندان؛ مقاومت در سطح غیررسمی

در آمریکا، کانادا، اروپا و حتی برخی کشورهای آسیایی: جنبش‌های دانشجویی خواستار تحریم آکادمیک رژیم صهیونیستی شدند، کمپین‌های BDS (تحریم اقتصادی و فرهنگی رژیم صهیونیستی) شدت گرفت، هنرمندان و نویسندگان سرشناس از فلسطین حمایت کردند، علی‌رغم تهدیدها و لغو همکاری‌ها

منابع:

۱. وب‌سایت ایرنا - «تحلیل واکنش‌های جهانی به جنگ غزه»
۲. پایگاه مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین - «عملکرد شورای امنیت و آمریکا در جنگ ۲۰۲۳»

در آمریکا، کانادا، اروپا و حتی برخی کشورهای آسیایی: جنبش‌های دانشجویی خواستار تحریم آکادمیک رژیم صهیونیستی شدند، کمپین‌های BDS (تحریم اقتصادی و فرهنگی رژیم صهیونیستی) شدت گرفت، هنرمندان و نویسندگان سرشناس از فلسطین حمایت کردند، علی‌رغم تهدیدها و لغو همکاری‌ها

واکنش دولت‌ها، نهاد‌ها و سازمان‌ها به جنگ غزه ۲۰۲۳

جنگ گسترده غزه، یکی از بی‌سابقه‌ترین فجایع انسانی در قرن ۲۱ را رقم زد. در این میان، عملکرد بازیگران جهانی نه تنها بازتابی از ترجیحات سیاسی آنها بود، بلکه شکاف عمیق در نظم بین‌الملل و حقوق بشر را نیز آشکار کرد. جامعه جهانی، در برابر خون کودکان غزه، گاه کور، گاه کر، و گاه شریک بود.

شورای امنیت سازمان ملل: مأموریتی که هرگز انجام نشد

در نخستین هفته‌های جنگ، چندین جلسه اضطراری شورای امنیت برگزار شد. با این حال: پیشنهاد آتش‌بس فوری توسط روسیه، چین و برخی کشورهای غیرمتعهد با وتوی آمریکا مواجه شد. قطعنامه‌های پیشنهادی برای توقف حمله به غیرنظامیان تصویب نشد. شورا به جای صدور تصمیم، تنها به ابراز «نگرانی عمیق» اکتفا کرد.

ایالات متحده: حمایت کامل از رژیم صهیونیستی، به‌رغم انتقاد جهانی

آمریکا در جنگ ۲۰۲۳: کمک نظامی فوری ۱۴ میلیارد دلاری به رژیم صهیونیستی تصویب کرد، تجهیزات ضد زره، سامانه‌های پدافندی، و اطلاعات ماهواره‌ای در اختیار تل‌آویو گذاشت، چندبار قطعنامه‌های آتش‌بس را وتو کرد

اروپا: میان ملاحظات سیاسی و وجدان عمومی

کشورهای اروپایی در آغاز جنگ: از «حق دفاع رژیم صهیونیستی» حمایت کردند، حملات حماس را محکوم نمودند

اما با گذشت زمان و افزایش تلفات غیرنظامیان: فرانسه، اسپانیا، نروژ و ایرلند خواستار آتش‌بس فوری شدند، برخی دولت‌ها سفرای رژیم صهیونیستی را احضار کردند، پارلمان اروپا از توقف حملات به بیمارستان‌ها حمایت کرد

جهان عرب و اسلامی؛ همبستگی مردمی، سکوت دولتی

اکثر دولت‌های عربی، به‌رغم خشم گسترده مردمی: از محکومیت لفظی فراتر نرفتند، روابط دیپلماتیک یا امنیتی با رژیم صهیونیستی را قطع نکردند، تنها کشورهایی چون الجزایر، یمن، سوریه، ایران و لبنان مواضع تند و عملی اتخاذ کردند

در مقابل، ملت‌ها در کشورهای مصر، اردن، مراکش، تونس و عراق با راهپیمایی‌های میلیونی، خواستار توقف جنگ و حمایت از فلسطین شدند.

موضع ایران: حمایت کامل راهبردی و انسانی



آینده درگیری‌ها؛ سناریوی جنگ منطقه‌ای محتمل

اگرچه رژیم صهیونیستی روی چتر حمایتی آمریکا حساب می‌کند، اما در سناریوی جنگ چند جبهه‌ای، توان دفاعی رژیم صهیونیستی برای پاسخ‌گویی هم‌زمان به غزه، لبنان، سوریه و حتی تهدیدات یمن و عراق با تردید جدی روبه‌روست.

موازنه‌ای که تغییر کرده است

یکی از مهم‌ترین تحولات راهبردی اخیر، تغییر مفهوم بازدارندگی است. تا پیش‌ازین، رژیم صهیونیستی با عملیات‌های پیش‌دستانه و برتری هوایی خود را مصون می‌دانست؛ اما اکنون با رشد توان موشکی و پهپادی محور مقاومت، این تصور در حال فروپاشی است. جنگ‌های اخیر نشان دادند که مقاومت نه تنها می‌تواند آسیب بزند، بلکه می‌تواند جنگ فرسایشی، پرهزینه و چندلایه‌ای را تحمیل کند. همین امر، تردید جدی در میان نخبگان نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی درباره شروع جنگی وسیع بدون تضمین پیروزی سریع ایجاد کرده است.

احتمال جنگ منطقه‌ای

اگرچه هیچ‌یک از طرفین به دنبال آغاز جنگی تمام‌عیار نیستند، اما سطح تنش‌ها، حجم درگیری‌های پراکنده، شکست بازدارندگی متعارف، و حضور بازیگران متعدد، نشان می‌دهد که منطقه در آستانه یک درگیری غیرقابل کنترل قرار دارد. به‌ویژه در صورتی که حادثه‌ای بزرگ (مانند ترور یک فرمانده ارشد، حمله به یک مرکز حساس، یا اشتباه محاسباتی) رخ دهد، آتش جنگ به سرعت منطقه را درمی‌نوردد.

منابع:

۱. قادری، رضا. «محور مقاومت و آینده بازدارندگی منطقه‌ای»
۲. نجفی، سهراب. «تحلیل موازنه قدرت پس از طوفان الاقصی»

اگرچه رژیم صهیونیستی روی چتر حمایتی آمریکا حساب می‌کند، اما در سناریوی جنگ چند جبهه‌ای، توان دفاعی رژیم صهیونیستی برای پاسخ‌گویی هم‌زمان به غزه، لبنان، سوریه و حتی تهدیدات یمن و عراق با تردید جدی روبه‌روست.

تحولات سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی (۷ اکتبر ۲۰۲۳)، منطقه غرب آسیا را وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از تنش و بازچینی موازنه‌های نظامی و سیاسی کرده است. با حضور فعال بازیگرانی چون ایران، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی، انصارالله یمن، و حشد الشعبی عراق در یک‌سو و ائتلاف رژیم صهیونیستی، آمریکا و برخی کشورهای عربی در سوی دیگر، چشم‌انداز تقابل گسترده منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگری محتمل به نظر می‌رسد.

از طرفی، درگیری‌های پراکنده اخیر - از شمال فلسطین اشغالی تا دریای سرخ و جبهه سوریه - به‌روشنی نشان می‌دهند که یک جرقه نظامی می‌تواند آتش جنگی وسیع را شعله‌ور سازد.

ایران و نقش بازدارنده یا محرک؟

ایران به‌عنوان ستون فقرات محور مقاومت، دارای نقشی دوسویه است: از یک‌سو با حمایت لجستیکی، فنی و آموزشی از گروه‌های مقاومت، در ایجاد توازن قوا علیه رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است، و از سوی دیگر، با رعایت خطوط قرمز، از وقوع جنگ مستقیم پرهیز کرده است.

باین‌حال، رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر ده‌ها عملیات هدفمند علیه مستشاران ایرانی در سوریه انجام داده که می‌تواند زمینه‌ساز پاسخ متقابل یا درگیری مستقیم شود. به‌ویژه با ترور چهره‌های سپاه در دمشق (۲۰۲۴)، ایران در موقعیتی قرار گرفته که پاسخ محدود دیگر برای بازی بازدارندگی کافی نیست.

آمریکا: میان مداخله و انزوا

در صورت بروز جنگ گسترده، آمریکا ناگزیر از ورود می‌شود؛ همان‌گونه که در بحران غزه ۲۰۲۳، با اعزام ناوگان به مدیترانه و حمایت اطلاعاتی از رژیم صهیونیستی نقش‌آفرینی کرد. اما فرسایش راهبردی آمریکا در منطقه، کاهش محبوبیت جهانی، و بحران داخلی ممکن است باعث شود مداخله‌ای محدود و نمادین صورت گیرد.



سرباز تکلیف؛ روایت یک عمر خدمت از سنگر تا ساختار؛ مصاحبه با یکی از پیشکسوتان صادق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

چالوس گذراندم. در همان آغاز خدمت، حتی در فرم گزینش نوشتم: «معلوم نیست تا چند ماه دیگر زنده باشم».

تبلیغ در بلندی‌ها، ایمان در مأموریت‌ها

پرسش: از مأموریت‌های فرهنگی‌تان بگویید.

پاسخ: بیش از ۵۰ ماه در قله‌های مریوان برای رزمندگان کلاس احکام و اخلاق برگزار کردم. بعد از آن، ۱۴ ماه در پادگان آموزشی مالک‌اشتر به مربی‌گری عقیدتی سیاسی مشغول بودم. آن دوران، تلفیقی از جهاد، آموزش و تبلیغ بود؛ آن هم در سخت‌ترین شرایط منطقه‌ای.

حضور در میدان، تجربه در تدبیر

پرسش: از فعالیت‌های میدانی‌تان در جبهه‌ها چه خاطره‌ای دارید؟

پاسخ: در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵، و بیت‌المقدس ۷ همراه گردان‌های امام محمدباقر (علیه‌السلام) و امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) در خط مقدم حضور داشتم. لحظه‌ای که در حال قرائت زیارت عاشورا در جزایر مجنون بودم و ترکش به من اصابت کرد، هرگز فراموش نمی‌کنم. تجربه حفظ اسرار و رعایت اطلاعات امنیتی از ارزشمندترین درس‌های آن دوران بود.

از سنگر تا ساختار: مسیر تحول مسئولیت‌ها

از سال ۱۳۶۷ پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده تربیت مربی

این گزارش حاصل گفت‌وگویی صمیمانه با برادر ارجمند جناب آقای اسلام ابراهیمی از پیشکسوتان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ فردی که از قله‌های مریوان تا اتاق‌های برنامه‌ریزی ستاد مرکزی، راه خدمت را با اخلاص پیمود. در این مصاحبه، از تجربه‌های میدانی، تأملات مدیریتی، الگوهای اخلاقی و پیام‌هایی برای نسل جدید سخن گفته شده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید، صرفاً خاطرنگاری نیست. روایت سلوک مدیری است که چهل سال خدمت رانه در جست‌وجوی عنوان و درجه، بلکه به‌عنوان «ادای تکلیف» زیست. صداقتی در گفتار و وقاری در بینش اوست که این مصاحبه را به متنی فراتر از گزارش اداری تبدیل کرده است.

از مدرسه تا میدان: روایت ایشار و آگاهی در جبهه ایمان

پرسش: خودتان را معرفی کنید و بفرمایید چگونه وارد سپاه شدید؟

پاسخ: بنده اسلام ابراهیمی هستم در سال ۱۳۶۰، زمانی که دانش‌آموز دبیرستانی در گلوگاه مازندران بودم، عضو فعال بسیج بودم. پس از دیپلم، با دعوت دوستان و با روحیه‌ای پرشور، در دهم آبان همان سال رسماً به عضویت سپاه درآمدم. آموزش مقدماتی‌ام را در پادگان المهدی (عج)



از انسان‌هایی که فانوس راه شدند...

افرادی بودند که حضورشان برایم الهام‌بخش بود. سرهنگ بنی کاظمی، اولین فرمانده سپاه بهشهر با آن صداقت کم‌نظیرش. حجت‌الاسلام مصلحی در بسیج، الگویی از اخلاص. سردار شهیری با سعه‌صدر و احترام متقابل و سرهنگ خیرالله حسینی، نمونه‌ای زنده از زهد و تلاش بی‌ریا.

پیام‌هایی برای امروز و فردا

پرسش: سخت‌ن‌ان برای نسل نوجوست؟

پاسخ: ۱. انقلاب، ثمره خون شهدا و راه امام (ره) است - قدردان آن باشید. ۲. ما فقط کارمند سپاه نیستیم، ما وارثان یک رسالت تاریخی هستیم. ۳. کار برای خدا ماندگار است. ۴. تکلیف‌گرایی، حتی بدون نتیجه هم ارزشمند است. ۵. سرنوشت این انقلاب به دستان شما پیوند خورده است. ۶. جهان اسلام چشم به ایران دوخته. ۷. پرچم این انقلاب باید به دست صاحبش - حضرت ولی عصر (عج) - سپرده شود.

پیام‌نهایی:

پرچم را از باکری‌ها، خرازی‌ها، بروجردی‌ها و سردار سلیمانی‌ها تحویل گرفتید. حالا نوبت شماست تا ایستادگی را معنا کنید

پایان‌بندی

این روایت، فقط گزارش یک مسیر نیست - سندی است از وفاداری، تعهد، صداقت و مدیریت با نیت الهی. انتقال تجربه نه فقط برای یادآوری گذشته، بلکه برای شکل‌دادن آینده‌ای روشن‌تر است.

قم، به‌عنوان مربی عقیدتی - سیاسی در سپاه مازندران مشغول شدم. سپس مسئولیت‌هایی چون سرپرستی مرکز تداوم و جانشینی معاونت عقیدتی را بر عهده گرفتم. پس از انتقال به نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت و سازمان بسیج، تا سمت معاونت برنامه‌بودجه در ستاد مرکزی پیش رفتم.

سازمان رفتاری بر پایه تکلیف و تواضع

پرسش: روابط حرفه‌ای شما در محیط سازمانی چگونه بود؟

پاسخ: همیشه با مسئولین بالادستی با صبر و احترام رفتار کردم. کاری که انجام می‌دادم برای رضای خدا بود، نه نمایش. بازپرستان هم صمیمی، رفیق و درعین حال هدایتگر بودند. در معاونت بودجه، سردار سپهر تمام تخصیص‌های من را بدون سؤال امضا می‌کرد. حتی باوجود تکمیل پرونده سرداری، درجه نگرفتم؛ چون هرگز به دنبال مقام نبودم.

نگاه مجدد؛ تجربه، بصیرت، بازنگری

پرسش: اگر امروز باز گردید، چه کارهایی را متفاوت انجام می‌دهید؟

پاسخ: حتماً در حوزه برنامه‌بودجه دانش تخصصی راهبردی بیشتری کسب می‌کردم. همچنین امروز درک دقیق‌تری از رابطه نمایندگی و فرماندهی دارم: کارهای محتوایی مثل هدایت سیاسی و نظارت باید در اختیار نمایندگی باشد، اما پشتیبانی و امور اجرایی با هماهنگی فرماندهی انجام شود.



اربعین؛ میراثی از ایثار و وحدت



اربعین، چهلمین روز پس از عاشورا، از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه مذهب تشیع، برخوردار است. این مناسبت نه تنها یادآور بزرگ‌ترین واقعه تاریخ اسلام، بلکه نمادی از فداکاری، آزادی‌خواهی، و ایستادگی در برابر ظلم است. در روز اربعین، میلیون‌ها مسلمان از سراسر جهان گرد هم می‌آیند تا با حضور در کربلا، عشق و ارادت خود به امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش را به نمایش بگذارند. این مراسم عظیم را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک مراسم مذهبی در نظر گرفت؛ بلکه اربعین یک پدیده اجتماعی، سیاسی و معنوی است که تأثیرات آن فراتر از مرزهای جغرافیایی است.

در مذهب تشیع، اربعین تجلی عشق به حقیقت و عدالت است. شهادت امام حسین (علیه‌السلام) در عاشورا، نه تنها برای حفظ دین اسلام، بلکه برای احیای ارزش‌های انسانی همچون کرامت، آزادی و عدالت بود. از این منظر، اربعین فرصتی است تا پیام عاشورا بازگو شود. حضور گسترده زائران در کربلا، با پای پیاده جلوه‌ای از پیمان معنوی با امام حسین (علیه‌السلام) و ایثارگری‌های اوست.

این مناسبت منحصر به فرد نه تنها در میان شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه مورد توجه سایر مسلمانان نیز قرار گرفته است. اربعین به یک نقطه اتصال میان مذاهب مختلف اسلامی تبدیل شده است؛ جایی که مسلمانان از هر قوم و ملت، بدون توجه به اختلافات مذهبی یا سیاسی، در کنار یکدیگر جمع می‌شوند. این وحدت عظیم به‌خصوص در دوران حاضر، یک پیام روشن به جهان می‌فرستد: پیام اتحاد در برابر ظلم و تفرقه.

علاوه بر جنبه‌های معنوی، اربعین نقش مهمی در تقویت پیوندهای اجتماعی و همدلی میان جوامع ایفا می‌کند. مردمی که در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند، نه تنها به‌عنوان زائران، بلکه به‌عنوان سفرای محبت و مودت عمل می‌کنند. فرهنگ سخاوت و مهمان‌نوازی در مسیر کربلا که توسط مردم عراق، نمادی از ارزش‌های انسانی است که با پیام عاشورا همخوانی دارد.

اربعین همچنین دارای پیامدهای سیاسی برجسته‌ای است. این مراسم به عرصه‌ای برای نمایش قدرت و اتحاد امت اسلامی تبدیل شده و به‌ویژه در مقابل سیاست‌های اسلام‌هراسانه و تفرقه‌افکنانه، یک پاسخ قاطع ارائه می‌دهد. این حضور گسترده و بی‌سابقه نشان می‌دهد که مسلمانان با وجود تمام فشارها و چالش‌ها، می‌توانند حول یک محور مشترک گرد هم آیند.

بنابراین، اربعین نه تنها یک مناسبت تاریخی است، بلکه یک حرکت زنده و پویاست که هر سال با قوت بیشتری برگزار می‌شود. این مراسم بزرگ فرصتی است برای بازخوانی پیام عاشورا، تقویت اتحاد اسلامی، و انتقال ارزش‌های عدالت و آزادی به نسل‌های آینده. اربعین، میراثی است که نه تنها تاریخ، بلکه آینده اسلام را رقم می‌زند.

منابع:

۱. کتاب «مرغان ابراهیم»؛ روایت‌هایی از پیاده‌روی اربعین» به قلم ۱۱ نویسنده از جمله اکرم گلپایگانی، ابراهیم اکبری دیزگاه
۲. رمان «طوطی و تاول» به جنبه‌های مردم‌شناسانه جامعه اربعینی - ابراهیم اکبری دیزگاه

اربعین نه تنها یک مناسبت تاریخی است، بلکه یک حرکت زنده و پویاست که هر سال با قوت بیشتری برگزار می‌شود. این مراسم بزرگ فرصتی است برای بازخوانی پیام عاشورا، تقویت اتحاد اسلامی، و انتقال ارزش‌های عدالت و آزادی به نسل‌های آینده.



راهپیمایی اربعین؛ آئینه‌ای از وحدت و هویت مسلمانان

و همدلی را افزایش می‌دهد.

پیامی به جهان درباره عدالت و مقاومت شهادت امام حسین (علیه‌السلام) در عاشورا، پیام مقاومت در برابر ظلم و ایستادگی برای عدالت را به همراه داشت. راهپیمایی اربعین به‌عنوان ادامه این پیام، به مسلمانان و حتی غیرمسلمانان یادآوری می‌کند که اصول عاشورا هنوز زنده است و باید در زندگی اجتماعی و سیاسی نقش ایفا کند. حضور میلیون‌ها نفر در این مراسم، قدرت اجتماعی جهان اسلام را به رخ می‌کشد و تأکیدی بر ادامه راه امام حسین (علیه‌السلام) است.

پتانسیل جهانی برای تغییرات مثبت راهپیمایی اربعین نه‌تنها یک مناسبت مذهبی است، بلکه راهی است برای ایجاد تغییرات مثبت در جهان. این حرکت عظیم می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر تجمعات مذهبی یا اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد و نشان دهد که چگونه ایمان و عشق به عدالت می‌تواند مردم را متحد کند.

در مجموع، راهپیمایی اربعین فرصتی است برای انتقال پیام‌های عاشورا به نسل‌های آینده و ارائه تصویری مثبت از اسلام در سطح جهانی. این حرکت عظیم، همچون یک آئینه، قدرت، امید و ایمان مسلمانان را به جهان نشان می‌دهد.

منابع:

۱. مقاله «راهپیمایی اربعین چرا مهم است؟» غلامرضا

ابراهیم‌آبادی

۲. مقاله «چرایی اهمیت راهپیمایی اربعین در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی»

در مجموع، راهپیمایی اربعین فرصتی است برای انتقال پیام‌های عاشورا به نسل‌های آینده و ارائه تصویری مثبت از اسلام در سطح جهانی. این حرکت عظیم، همچون یک آئینه، قدرت، امید و ایمان مسلمانان را به جهان نشان می‌دهد.

راهپیمایی اربعین پیام‌های عمیقی برای جهان دارد. اهمیت این راهپیمایی را باید در چندین بُعد بررسی کرد تا تصویر کاملی از اثرات گسترده آن به دست آید.

وحدت مسلمانان از مذاهب مختلف راهپیمایی اربعین به‌گونه‌ای طراحی شده که مرزهای مذهبی و قومی را پشت سر می‌گذارد. در این حرکت، مسلمانان از مذاهب و کشورهای مختلف به سمت یک مقصد مشترک حرکت می‌کنند؛ جایی که محبت به اهل‌بیت (علیه‌السلام) و عشق به امام حسین (علیه‌السلام) به‌عنوان نقطه اتصال عمل می‌کند. این وحدت در زمانه‌ای که جهان اسلام با چالش‌های بزرگی مانند تفرقه و درگیری‌های داخلی روبروست، یک پیام قدرتمند به دشمنان اسلام ارسال می‌کند. حضور گسترده مردم از کشورهای مختلف در این مراسم نشان‌دهنده توانایی مسلمانان در کنار گذاشتن اختلافات و تمرکز بر ارزش‌های مشترک است.

هویت اسلامی در ابعاد جهانی راهپیمایی اربعین تجلی هویت مسلمانان در سطح جهانی است. این مراسم، نمایشی از فرهنگ اسلامی، ارزش‌های معنوی، و میراث عاشورا است که توسط میلیون‌ها نفر به‌صورت عملی به نمایش گذاشته می‌شود. این حرکت عظیم توجه رسانه‌ها و افکار عمومی جهان را به خود جلب کرده و به مردم غیرمسلمان فرصتی می‌دهد تا اسلام را نه از دریچه سیاست‌بازان غربی، بلکه از دریچه ایمان، اخلاق و سیاست علوی ببینند.

تأثیرات اجتماعی و فرهنگی راهپیمایی اربعین یک فرصت منحصر به‌فرد برای تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان مسلمانان است. مهمان‌نوازی مردم عراق در مسیرهای منتهی به کربلا، جلوه‌ای از سخاوت و محبت اسلامی است که زائران از سراسر جهان آن را تجربه می‌کنند. این مراسم به بستری برای تبادل فرهنگی و یادگیری مشترک تبدیل شده که روابط میان ملت‌های مسلمان را ارتقا می‌دهد.

فیوٹی علیکم شرارکم، ثم تدعون فلا يستجاب لکم.

سفارش حضرت علی علیه السلام به حسنین علیهما السلام پس از ضربت خوردن توسط ابن ملجم: امر به معروف و نهی از منکر را رها مکنید که در این صورت بدان شما زمام امورتان را به دست می گیرند و آن گاه هر چه دعا کنید، مستجاب نخواهد شد. (نامه ۴۷)

۶. نفرین خدا بر این گروه!:

لعن الله الآمرین بالمعروف التارکین له، و الناهین عن المنکر العالمین به!

نفرین خدا بر آن کسانی که امر به معروف کنند و خود آن را ترک گویند، و نهی از منکر کنند و خود مرتکب آن شوند! (خطبه ۱۲۹)



اشعار منتخب سیزدهمین کنگره شعر فرهنگیاران

آخرین وارث زمین

روح الله حسنی - سپاه ناحیه قائم شهر استان مازندران

ما مسلمان نسل سلمان و جرعه نوش یم یقین هستیم
از مریدان مرد میدان و حافظان حریم دین هستیم
بر زبان قطامه ها جاری، نغمه های گلوی شیطان است
در غم فتنه زن، آزادی، مملو از بغض آتشین هستیم
وارثان علی و زهراییم، شیوه ما سکوت و صبر اما
در پی دفع روباهان، مثل شیران در کمین هستیم
موعد گام دوم نهضت، رمز سیر و بقای او خون است
آرمان ها نشان راه شدند، گرچه در داغ آرتین هستیم
عاقبت صبح صادق موعود، از بلندای شب برون آید
به یقین طبق وعده مصحف، آخرین وارث زمین هستیم



امر به معروف و نهی از منکر در نهج البلاغه

۱. افزایش رزق، دوری اجل:

۱. ان الامر بالمعروف، و النهی عن المنکر، لخلق من خلق الله سبحانه، و انهما لا یقربان من أجل، و لا ینقصان من رزق.

امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خداوند سبحان است و این دو صفت، مرگ را نزدیک نگردانند و از روزی آدمی نگاهند. (خطبه ۱۵۶)

۲. امر به معروف و نهی از منکر با دست و زبان

۱. و أمر بالمعروف تکن من أهله، و أنکر المنکر یدک و لسانک و باین من فعله بجهدک.

امر به معروف کن تا از اهل آن شوی! و با دست و زبان نهی از منکر کن و با کوشش بسیار از کسی که منکرات را انجام می دهد دوری گزین. (خطبه ۱۵۶)

۳. فلسفه امر به معروف و نهی از منکر:

فرض الله... الأمر بالمعروف مصلحة للعوام، و النهی عن المنکر ردعاً للفسهاء.

خداوند امر به معروف را به خاطر اصلاح توده مردم و نهی از منکر را برای جلوگیری نابخردان از زشتی ها واجب کرد. (نامه ۳۱)

۴. چون قطره در برابر دریا

ما أعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لا کنفئة فی بحر لجی.

تمامی اعمال و کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است. (حکمت ۳۷۴)

۵. خطر رها کردن امر به معروف و نهی از منکر:

من وصیة علیه السلام للحسین علیهما السلام بعد أن ضرب به ابن ملجم: لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر



شهادت‌آ

نماینده‌کی ملی فقیه در سپاه روحانیون و طلاک‌بی‌جی



روحانی شهید علی ترکشوند روحانی شهید رمضان علی‌نار



روحانی شهید عباس امین‌رشد روحانی شهید ابوالفضل نیازمند روحانی شهید احد اقدس روحانی شهید علی قناعت‌کار طلک‌بی‌جی شهید محمد مهدی نظری



شهید سید محمود عوسیان شهید رمضانعلی جوبداری شهید مهدی قل‌زاده شهید مجید آل‌ابراهیم شهید محمد پیر‌آوند



شهید حسن مهدی‌پور شهید مصطفی‌بیات شهید علیرضا رحیمی شهید محمدعلی عزیزاده شهید غلام‌رضا سوادکوهی



طلک‌بی‌جی شهید محمد معین نظری شهید جواد گان‌لمی شهید کیومرث کونری مقدم شهید محمدرضا زندی شهید علی طهماسبی



طلک‌بی‌جی شهید روح‌الله رحمتی طلک‌بی‌جی شهید محمدرضا توکل طلک‌بی‌جی شهیده طاهره طاهری طلک‌بی‌جی شهیده الهام فرهمند‌نوشهر طلک‌بی‌جی شهیده الهه سادات میر‌شعیان



وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ

همه بدانند

خدای متعال

نصرت را بر

ملت ایران

تضمین کرده است

بیانات رهبرانقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه | ۱۴۰۴/۴/۲۵